



اساس سوسیالیسم انسان است  
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

۵۸

برای

# یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash\_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۶ جولای ۲۰۰۸ - ۲۶ تیر ۱۳۸۷

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

پلنوم سوم حزب، بزرگداشت منصور حکمت، تبلیغات جنگی،

حکم جلب رئیس جمهور سودان



علی جوادی، آذر ماجدی، سیاوش دانشور

صفحه ۵

## یادداشت سردبیر



سیاوش دانشور

فرزاد کمانگر باید فوراً آزاد شود!

انتحاریون قوم پرست باید ایزوله شوند!

بیدادگاههای رژیم جنایتکار اسلامی حکم اعدام "فرزاد کمانگر"، "فرهاد وکیلی" و "علی حیدریان" را صادر و "دیوان عالی قضائی" رژیم این حکم ها را تأیید کرده است. در ایندوره آزادیخواهان بیشماری برای لغو حکم اعدام و آزادی فرزاد کمانگر تلاش کرده اند و این تلاشها بشدت بیشتری ادامه دارد. این سنت عمومی مبارزه ای است که برای تأمین حقوق پایه ای کل شهروندان جامعه تلاش میکند. مبارزه وسیع تر و متحدتر در تعرض به رژیم اسلامی برای لغو فوری حکمهای اعدام و آزادی کلیه زندانیان سیاسی سیاست روشن و جافقاده اردوی آزادی و برابری و رفاه است.

اما این تنها سیاست نیست. از برکت وجود منحوس اسلام سیاسی و محصولات "نظم نوین جهانی"، نیروهائی فرقه ای و ضد جامعه به صحنه وارد شده اند که مانند رژیم اسلامی در مقابل مبارزه و تلاش کارگر و مردم محروم برای آزادی ایستاده اند. پژاک، نسخه ایرانی پ ک ک، جریان قوم پرستی است که زیر پرچم "دفاع از خلق کرد"، در مقابل سیاستهای ضد بشری رژیم اسلامی سیاست انتحار و بمب ترکاندن را دارد. الگوی انتحاریون قوم پرست نیز بدست داده شده است. اطلاعیه رسمی PJAK در خصوص صدور حکم اعدام فرزاد کمانگر میگوید؛ "روحیهی فدائی شهید روناھی که در مقابل اعدام رفیق عگید (حسن حکمت دمیر) بنیاد رژیم را به لرزه درآورد، به ما امر می کند که اقدامات رژیم را بی جواب باقی نگذاریم". روناھی با انفجار بمب هائی که بخود بسته بود به یکی از شعبات سپاه حمله کرد و الگویی است که پژاک وعده تکرار آنرا میدهد. این سنت تروریستی و

صفحه ۲

## نو بیاتیه حزب؛

### \* به کارگران ایران خودرو

باید آماده شد و به استقبال رویارویی مجدد رفت

\* آینده کارگران نیشکر هفت تپه در گرو چه مبارزه ای است؟

کارگران کنترل تولید و توزیع را در نیشکر هفت تپه در دست بگیرید!

صفحه ۳ و ۴

## محمود جراحی آزاد شد!



آزادی محمود جراحی را تبریک میگوینم!

مذهب، سرمایه داری، خانواده:

جایگاه اجتماعی زنان کجاست؟



علی طاهری

صفحه ۱۴

## به یاد مهتاب

کارفرما به مهتاب ۱۵ ساله تجاوز کرد!

سیاوش دانشور

در صفحات دیگر؛ کارگران و روبات ها، جلسه مرکز مطالعات کمونیسم کارگری پیرامون فقر و گرسنگی، و چند گزارش کارگری از کارخانه های سنندج.

## فرزاد کمانگر باید فوراً آزاد شود!

## انتحاریون قوم پرست باید ایزوله شوند...

انتحاری اسلامی - قوم پرستانه ربطی به تلاش مشروع و برحق اکثریت مردم آزادیخواه و طبقه کارگر ایران برای آزادی ندارد. این سنت کوچکترین ربطی به مبارزه علیه اعدام ندارد چون خودش به اعدام و کشتن متکی است.

تردیدی نیست که یک نیروی اپوزیسیونی که در حال جنگ با رژیم است، مستقل از ماهیت آن، تلاش میکند تعرضات رژیم اسلامی را بی پاسخ نگذارد. **مسئله پرسر این پاسخها و مفید بودن و یا مخرب بودن آن برای جنبش عدالتخواهانه و آزادیخواهانه مردم ایران برای رسیدن به هر هدف کوتاه مدت و دراز مدت شان است.** فلسفه سیاسی پژاک با رژیم اسلامی تفاوتی ندارد؛ هر دو بر انتقام جوئی مبتنی است. پژاک مخالف اصولی اعدام و قتل نیست، مخالف اعدام "مردم کرد" است. اگر خودش دستش به قدرت در قصبچه ای برسد اعدام میکند. نژادپرستی و نفرت قومی از سر و روی این اطلاعیه میبارد. جریاناتی مانند پژاک و زحمتکشان و پان ترکیست ها و امثالهم فرقه های دست ساز و بی ریشه اجتماعی هستند. نه نماینده کسی هستند و نه ربط مشخص و تاریخی خاصی به مشقات و مبارزات مردم محروم دارند. این جریانات در دنیای امروز کارت بازی و گروه فشار و ارتش خصوصی آمریکا و نیروهای اردوی تروریسم دولتی اند. سنت کار و روش "مبارزه" شان هم همه جا یکسان است. در عراق و افغانستان و ترکیه و ایران و سودان و غیره همین است. منفجر کردن بمب هرجا که دلم خواست! تبدیل صحنه سیاست به میدان تاخت و تاز نیروهای مسلح قومی و اسلامی و انتحاری و پان ایرانیستی! بیرون انداختن مردم از صحنه سیاست و تحمیل عقب

نشینی به تلاشهای کارگر و انسان آزاداندیش و برابری طلب! داغ کردن تنور جنگهای قومی و فرقه ای! برادر دیگر این کمپ در کردستان ایران سلفی ها و دار و دسته لمپنهای اسلامی طرفدار مفتی زاده و سکنهای مشابه القاعده ای است. کسانی که روز روشن سر جوان مردم را با حکم فلان آخوند شپشو میبرند! مبارزه با اردوهای تروریستی و ضد کارگری دنیای امروز نیز نیازمند مبارزه همه جانبه با محصولات سیاسی مشخص این ارتجاع بین المللی است.

## جوانان و مردم آزادیخواه کردستان!

مبارزه امری توده ای و اجتماعی و طبقاتی است. مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی، مبارزه برای عقب راندن تعدیات رژیم اسلامی، تا مبارزه برای استقرار جامعه ای آزاد و مرفه و انسانی، مقابله با زندان و اعدام و تلاش برای لغو فوری این احکام راه و رسم و سنت دیرین خود را دارد. این کار گروههای فرقه ای و ضد جامعه و آدمکش نیست. کار و امر نیروهائی است که راه حلی اجتماعی و طبقاتی را پیشروی جامعه میگذارند. کار جنبشهای فی الحال موجود و قدرتمندی است که در مصافی هر روزه با رژیم اسلامی اند. کار طبقه کارگر، جنبش آزادی زن، اعتراضات دانشجویان و جوانان است. این نیروی اجتماعی تغییر میخواد. تغییرات رادیکال و پیشرو و مدرن میخواد. نه هوس بازگشت به عهد عتیق را دارد و نه به تنوریها و روشهای عهد عتیقی علاقه ای دارد. به این معنا قوم پرستی به مبارزه و سوخت و ساز سیاسی جامعه بی ربط و مهجور است. اما وجود و تداوم سیاستهای ارتجاعی اینها را واقعیت دیگری توضیح میدهد؛ مختصات سیاسی دنیای امروز، اهداف تقابلهای ایندوره، نیروهائی که آزاد کرده است، بن

بست ناسیونالیسم کرد و چرخیدن بستر اصلی آن به قوم پرستی، کرنش چپ سنتی به این جریانات، و بالاخره و از همه مهمتر پول و امکاناتی است که توسط آمریکا و دولتهای دیگر در اختیار اینها گذاشته میشود. مادام که خرج امثال پژاک را میدهند و میتوانند از مردم باجگیری کنند، پژاک و نوع پژاک وجود دارد و میتواند از عصیان و استیصال جامعه سربازگیری کند. پاسخ این جریانات فرقه ای پاسخی اجتماعی و پراتیکی است. انزوای این فرقه های تروریستی و ضد جامعه، که تنها راه مبارزه مردم علیه رژیم اسلامی را سد میکنند، تقویت سننهای اجتماعی مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و بطور کلی حق و آزادی و برابری در جامعه است. باید در مقابل این نیروها صریح الهجه تر بود. نیروهای اپوزیسیون که در گسترش فرقه ایسم و تروریسم و انتحار منفعتی نمیبینند، باید موضع روشن و صریحی بگیرند. نباید اجازه داد کمپ اسلامیون و قوم پرستان الگوهای برادرانشان را در عراق و افغانستان و سومالی و یوگسلاوی و لبنان و فلسطین در سنج و مریوان و سقز و مهاباد و غیره تکرار کنند. باید قاطع و محکم در مقابل شان ایستاد. فقط این سیاست میتواند نیروی واقعی برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو فوری احکام اعدام از جمله احکام اخیر را به پیش ببرد.

تلاش برای لغو حکم اعدام "فرزاد کمانگر"، "فرهاد وکیلی" و "علی حیدریان" را گسترش دهیم. این احکام و تمام احکامهای صادره برای فعالین سیاسی و کارگری و دانشجویی باید لغو شود. کلیه زندانیان سیاسی باید آزاد شوند. ما برای پایان دادن به چرخه آذکشی و اعدام تلاش میکنیم. انتحاریون اسلامی و قوم پرست و انتقامجو را باید ایزوله کرد.

\*\*\*

## محمد جراحی آزاد شد!



«اطلاعیه شماره ۳ کمیته دفاع از محمد جراحی»

بدینوسیله از کارگران و زحمتکشان، اتحادیه ها، سندیکاها و تشکلهای کارگری و فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری (WFTU) که با حمایت بی دریغ خود از این فعال کارگری همدلی و همبستگی طبقه کارگر را تفسیری رسا نمودن تشکر و قدرانی نموده، دستهای مهربانتان را جهت تلاش برای آزادی دیگر عزیزان در بند به گرمی می فشاریم.

کمیته دفاع از محمد جراحی

87/04/18

نشریه یک دنیای بهتر آزادی فعال کارگری محمد جراحی را به خانواده ایشان، همه کسانی که برای آزادی وی تلاش کردند، و کارگران ایران تبریک میگوید. برای محمد جراحی و دیگر فعالین کارگری در تلاششان برای سازماندهی کارگران علیه سرمایه داری آرزوی موفقیت میکنیم. تلاشمان را برای آزادی دیگر فعالین کارگری و کلیه زندانیان سیاسی گسترش دهیم.\*

منصور اسانلو، غلامرضا غلام حسینی، و افشین شمس آزاد باید گردند!

کارگر زندانی، زندانی

سیاسی آزاد باید گردند!

## به کارگران ایران خودرو

### باید آماده شد و به استقبال رویارویی مجدد رفت

اعتصاب قهرمانانه هزاران کارگر ایران خودرو در متن فشارهای شدید و پلیسی علیه اعتصابیون شروع و تا عقب نشینی کارفرماها و مدیریت ادامه داشت. مدیریت ایران خودرو و مدیران مسئول هر قسمت به کارگران اعلام نموده اند که به خواسته‌های کارگران از جمله افزایش حقوق، اضافه کاری، پرداخت مجدد حق آکورد (پاداش تولید) که از آغاز سال جدید قطع شده بود، در نظر گرفتن شرایط مناسب سنوات کاری تا پایان تیرماه رسیدگی و اقدام خواهد شد. اعتصاب موقتا با این عقب نشینی کارفرماها و مدیریت پایان یافت.

به نظر ما قبل از پایان موعد کارفرما، یعنی قبل از پایان تیرماه، کارگران ضروری است التیماتومی به مدیریت و کارفرماها بدهند. براین تاکید کنند که چنانچه به خواسته‌های کارگران و وعده های داده شده عمل نشود، کارگران بار دیگر دست به عمل مستقیم و اعتصاب خواهند زد. باید آماده شد. باید برای تحقق مطالبات کارگری برنامه ریزی کرد. باید در مقابل تهاجم عوامل سرمایه سیاست ضد تهاجم داشت. باید در مقابل فشار پلیسی و حراستی ها سیاست بمیدان کشیدن اتحاد بیشتر کارگران را داشت.

ما باید روی بدبینی بحق کارگران سنگری برای تعرض مجدد بیا کنیم. نمیتوان فقط بدبین بود و کاری دیگر نکرد. این نکات بطور کلی میتواند مبنای آمادگی و ایجاد اتحاد کارگران برای رویارویی مجدد در صورت طفره رفتن کارفرماها از دادن حق مسلم کارگران باشند؛

\* ترسیم دقیق خواسته‌های اعتصاب و تبدیل کردن آنها به خواست وسیعترین بخش از کارگران ایران خودرو.

\* دادن اولتیماتومی به مدیران که کارگران منتظر اجرای سریع و سروقت وعده ها و خواسته‌هایشان هستند.

\* آزادی کارگران زندانی! تعدادی از کارگران در جریان اعتصاب دستگیر شدند. بنا به آخرین خبرها ۷ نفر در اعتصابات روز شنبه ۱۵ تیرماه دستگیر شدند. چنانچه این کارگران هنوز و تاکنون آزاد نشدند، باید خواست آزادی فوری آنها برصدر مطالبات ما قرار بگیرد.

اما کارگران به حق با بدبینی شدید به این وعده ها نگرینند. وعده های دیروز در پارس خودرو را دیده اند. دهها بار وعده در مورد تامین امنیت و استاندارد بالاتر امنیتی کار را دیده اند. کارفرماهای حریص و ضد کارگر و عوامل سرمایه را میشناسند. تاکتیکهای ضد کارگری آنها را میشناسند. بدبینی کارگران واقعی و حقیقی است. کارگران میدانند که کارفرما و عوامل سرمایه زمین میدهد و زمان میخرد تا مجددا حمله کند و با وارد آوردن ضربات به کارگران و از جمله اخراج فعالین کارگری و تحمیل شرایط سخت تر کار، انسجام و وحدت کارگران را از هم بپاشد.

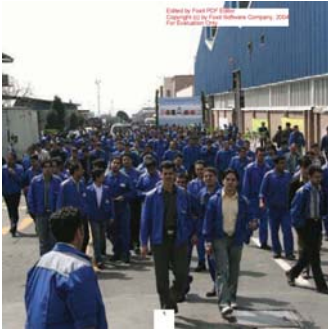
سوالی که امروز باید به آن پاسخ داد این است که با توجه به این شرایط و فرصت کم، چه باید کرد؟ بویژه که شایعه اخراج ۳۵۰۰ نفر در ایران خودرو بعد از پایان تعطیلات تابستانی وجود دارد و همینطور استفاده از روبات ها در سایت‌های ایتکو پرس بزودی به اخراج بخش دیگری از کارگران قراردادی منجر میشود.

\* برپایی مجامع عمومی کارگری! در مقابل سیاست پراکنده کردن کارگران و ایجاد فضای امنیتی، تنها اتکا منظم کارگران به مجمع عمومی است که میتواند این سیاستها را خنثی کند. بویژه و برای شروع باید به محلات کارگری متکی شد. بیشتر کارگران ایران خودرو در شهرک های اطراف کارخانه زندگی میکنند. اگر در کارخانه فعلا امکان برگزاری مجامع عمومی نیست میتوان این مجامع را در محل زیست کارگران به پیش برد.

\* ممنوعیت اخراج! در مقابل سیاست پرونده سازی و اخراج باید سنگر بندی کرد. اخراج حربه ای در دست کارفرماها است که با هر توجیهی میتواند بدست گرفته شود. در مقابل شمشیر داموکلس اخراج که همواره بالای سر کارگران است و هدفی جز ارباب ندارد، باید سیاست عملی داشت. باید پرچم ممنوعیت اخراج را با تمام قوا در دست گرفت. در عین حال ایجاد آمادگی و اتحاد کافی در میان کارگران و مقابله با هر نوع بیکارسازی میتواند اتخاذ این سیاست را برای کارفرماها مشکل تر کند. برافراشتن پرچم "یا کار یا بیمه بیکاری مکی" در این مقطع ضروری است.

\* اخراج حراست از محیط کار! اخراج حراست‌ها و عاملین سرکوب کارگران از سالنهای تولید، ممانعت از ورود آنها به محیط کار، خواست کارگران است. این خواست را باید از هم اکنون عملی کرد.

\* جلب همبستگی کارگری! کارگران ایران خودرو در این مبارزه تنها نیستند. خواست شما کارگران خواست طبقه کارگر است. موفقیت شما در عین حال موفقیت طبقه کارگر است. از این رو باید بیشترین تلاش را برای جلب همبستگی طبقاتی کارگران صورت داد. باید



کارگران کلیه صنایع اتوموبیل سازی، کارگران کارخانجات مجاور و همچنین سایر کارگران را به این مبارزه جلب کرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری رهبران و فعالین کارگری ایران خودرو را به ایجاد آمادگی در میان وسیعترین کارکنان ایران خودرو برای گرفتن خواسته‌های برحق شان و آماده شدن برای رویارویی مجدد در صورت طفره کارفرماها و مدیران از خواسته‌های کارگران فرامیخواند. باید پیروزی نسبی اعتصاب اخیر را به اتحاد و خوشبینی وسیعتر در میان مجموعه کارگران ایران خودرو تبدیل کرد. تنها اتحاد وسیع خود کارگران است که میتواند ضامن تحقق خواسته‌های کارگران و ضامن عقب راندن حمله متقابل کارفرماها باشد.

ما کارگران سر سوزنی اشتراک منافع و اعتماد به کارفرما جماعت و مزدورانشان نداریم. ما کارگران برای پیشروی نیاز به امید و خوش بینی داریم. منشا امید و خوش بینی هم در آسمانها نیست، بلکه روی زمین سفت و در اراده متحد کارگران و قدرت آنها نهفته است.

### زنده باد

### کارگران ایران خودرو!

### حزب

### اتحاد کمونیسم کارگری

۱۵ جولای ۲۰۰۸ - ۲۵ تیر ۱۳۸۷



آینده کارگران نیشکر هفت تپه در گرو چه مبارزه ای است؟

## کارگران کنترل تولید و توزیع را

### در نیشکر هفت تپه در دست بگیرید!

دار نیست. گرایشات ارتجاعی دیگری در همین صف "وارادات بی رویه" شکر را معضل اصلی و جلوگیری از آن را "درمان مشکلات کارگران" میدانند. این جریانات کارگران را به حمایت از یک جناح سرمایه در مقابل جناح دیگر و اتخاذ سیاستهای دولتگرایی اقتصادی و پروتکشنیستی از جمله بالا بردن تعرفه گمرکی بر واردات شکر میدانند.

این ها راه حل و آلترناتیو کارگران نیست. راه حل گرایشات و جناح های طبقه و نظام حاکم در تداوم وضعیت موجود و تبدیل کارگران به دنبالچه و نیروی ذخیره سرمایه است. در این نظام کارگران تنها زمانی میتوانند زندگی کنند که کاری بدست آورند و فقط هنگامی میتوانند کاری بدست آورند که کارشان بر سرمایه بیافزاید. در این نظام کارگر گویا تنها برای آن زنده است که بر سرمایه بیفزاید و تا زمانی باید زنده باشد که مصالح اقتصادی طبقه سرمایه دار ایجاب میکند!

### راه حل استراتژیک و کوتاه مدت کارگران

اما راه حل دیگری وجود دارد. راه حل کمونیستی طبقه کارگر! راه حلی که افقهای وسیع تری در مقابل کارگران قرار میدهد. کارگران نباید به راه حل های ارتجاعی و سازشکارانه طبقه حاکم تسلیم شوند. برای از بین بردن فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی باید نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی را نابود کرد. محور اقتصادی چنین انقلابی نابودی نظام مزدبگیری و لغو مالکیت خصوصی بر وسایل تولید و کار و تبدیل آن به دارایی جمعی کل جامعه است. این راه حل پایه ای طبقه ما است. نظام سرمایه داری مسبب و عامل بقاء کلیه مصائب گریبانگیر انسان امروز است. منشاء فقر و گرسنگی، بیکاری و بی مسکنی و ناامنی در این دوران، نظام اقتصادی حاکم بر جامعه است. انقلاب کارگری تنها راه حل ریشه

سه هزار کارگر نیشکر هفت تپه گرسنه اند. بچه ها و خانواده شان گرسنه اند. فریاد میزنند؛ "کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم، گرسنه ایم!" "این بچه گرسنه وعده سرش نمیشه!" "زندگی شایسته حق مسلم ماست!" تاکنون چندین بار، و هر بار هفته ها و ماهها، کارگران این مجتمع برای دریافت مطالبات خود دست به اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی زده اند. اما هر بار با سرکوب وحشیانه دولت اسلامی و یا با وعده و وعیدهای مزورانه کارفرما مواجه شده اند و یا تنها موفق به دریافت بخشی از دستمزدهای معوقه خود شده اند. بعلاوه امنیت شغلی کارگران و آینده هزاران خانواده کارگری در ابهام کامل قرار دارد. این وضعیتی است که سرمایه و نظام اسلامی برای طبقه کارگر بویژه در صناعی مانند نیشکر هفت تپه ایجاد کرده است. اکنون این سؤال در مقابل کارگران قرار گرفته است که برای تامین معاش و زندگی خود، برای سیر کردن شکم فرزندان گرسنه و خانواده های خود چه باید بکنند؟ راه حل ها کدامند؟ آینده کارگران نیشکر هفت تپه در گرو چه مبارزه ای است؟

کارفرمایان و عاملین دولت مدعی اند که مجتمع نیشکر هفت تپه واحدی سود ده نیست. قدرت رقابت با محصولات تولید شده در بازار جهانی را ندارند. از این رو سیاستشان اخراج تدریجی کارگران و تعطیلی کارخانه و فروش وسایل و ابزار آلات و زمینهای این مجتمع است. در دو سال گذشته نیز نزدیک به دو هزار تن از کارگران را اخراج و بیکار کرده اند. ادامه این وضعیت یعنی ادامه بیکاری و اخراج سایر کارگران! نتیجه بلافصل چنین سیاستی محکوم کردن کارگران به فقر و فلاکت و بی خانمانی است.

این تنها راه حل در طبقه سرمایه

مدیریت سازمان دهید و کنترل تولید و توزیع را خود در دست بگیرید. میتوان تولید و توزیع را بدون چپاول و دزدیهای کارفرمایان و سرمایه داران سازمان داد. میتوان نیروی کار انسانی و تخصص موجود را در خدمت رفع نیازهای زندگی کارگران و مردم بکار انداخت. شما میتوانید با تشکیل مجامع عمومی خودتان در زمینه اعمال و پیاده کردن کنترل کارگری بر کارخانه و چند و چون دامنه اعمال این سیاست کارگری تصمیم بگیرید!

### کارگران!

فقر و فلاکت از هر سو گریبان جامعه را گرفته است. فرزندان ما گرسنه اند. هیچکس به نجات ما نخواهد آمد. طبقه کارگر تنها به نیروی خود آزاد میشود. باید خواست بیمه بیکاری مکفی را به رژیم اسلامی و سرمایه داران تحمیل کرد. این یک مطالبه عمومی و سراسری است. در عین حال میتوانیم و باید کنترل شرایط کار و زندگی مان را راسا در دست بگیریم. باید به هر میزان که توان طبقه ما اجازه میدهد، دست سرمایه و نظام اسلامی را از زندگی کارگر و مردم کوتاه کرد. پیشقدم شوید! کنترل کارگری بر کارخانه یک راه حل فوری در وضعیت بحرانی کنونی است. اجازه ندهید کارفرما با اخراج و بیکار سازی و عدم پرداخت دستمزدها و تعطیلی کارخانه زندگی شما را به نابودی بکشاند. سیاستها و تلاشهای تاکنونی هم معلوم شده که پاسخگوی نیازها و خواستههای برحق شما نیستند. باید گامی فراتر رفت. شما میتوانید با اتکا به نیروی اتحاد و همبستگی خود و خانواده هایتان آینده را در مسیر دیگری رقم بزنید. آینده تیره و تار، زندگی نکبت بار سرنوشت محتوم طبقه ما نیست. باید دست به کارهای بزرگ زد!

### زنده باد کنترل کارگری!

### حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۵ تیر ۱۳۸۷ - ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸

ای برای پایان دادن به این وضعیت ضد انسانی و برقراری نظامی متضمن آزادی، برابری و رفاه همگان است. اما مادام که نظام سرمایه داری پابرجاست ما محکوم به فنا و نابودی و یا تن دادن به راه حل های ارتجاعی و سازشکارانه جناحهای مختلف طبقه حاکم نیستیم. راه حل های کوتاه مدت و دیگری هم وجود دارد. راه حل هایی که متضمن تحمیل حداکثر آسایش و رفاه ممکن برای کارگران به دولت و کارفرمایان است.

### بیمه بیکاری مکفی

باید برای پرداخت بیمه بیکاری مکفی مبارزه کرد. این یک خواست و مطالبه بر حق کارگری است. یا کار با دستمزدهای مکفی یا بیمه بیکاری! هیچ کارگری مسئول عدم سود دهی کارخانه نیست. چه کسی به سرمایه داران و دولتشان اجازه داده است، زمانی که کارخانه سود ده نیست، میتوانند از بکار انداختن وسایل تولید نیازهای مردم خودداری و کارگران را اخراج کنند؟ مطالبه بیمه بیکاری مکفی برای همه افراد آماده به کار، و یا دستکم وادار کردن دولت و کارفرما به پرداخت کامل آخرین حقوق دریافتی کارگرانی که بنگاه تولیدی آنها تعطیل میشود، حق مسلم کارگران است. این یک راه حل فوری و عمومی کارگران در چنین شرایطی است. برخورداری از معاش، مسکن، آموزش، درمان و رفاه مناسب حق هر انسانی است که چشم به این جهان میگشاید.

### کنترل کارگری

اما در کنار پیشبرد مبارزه برای گرفتن بیمه بیکاری، راه حل مشخص دیگری هم وجود دارد که میتواند مبارزات کارگران را گامها جلو ببرد. شما کارگران میتوانید کنترل تولید و توزیع محصولات کارخانه را در دست بگیرید. سیاست کارفرما و دولت تعطیلی تدریجی این واحدهای تولیدی و اخراج تدریجی کارگران است. شما میتوانید کار و تولید را بدون کارفرما و

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

پلنوم سوم حزب، بزرگداشت منصور حکمت، تبلیغات جنگی، حکم جلب رئیس جمهور سودان



میتواند تبدیل به یک حزب اجتماعی شود؟ تجربیات تاریخی و همچنین تجربیات کنونی پیرامون ما نشان میدهد که احزاب رادیکال کمونیستی زمانی که خواسته اند اجتماعی شوند بعضا به راست خود چرخیده اند. پروژه های راستی را در دست گرفته اند. و این تحولات خواسته و ناخواسته به یک چرخش سیاسی در مکان اجتماعی و جنبشی این احزاب نیز منجر شده است. در شرایط کنونی مثال مشخص این تحول گرایش به راستی است که در رهبری کنونی حزب کمونیست کارگری مشاهده میشود. این حزب با اتخاذ سیاست اکس - مسلم اینگونه وانمود میکرد که قصد اجتماعی شدن و بازیگری در تحولات سیاسی بزرگ را دارد. اما این تحول نه پروژه ای برای اجتماعی شدن رادیکالیسم کمونیستی بلکه چرخشی به راست، توسل به یک سیاست دست راستی بود. سیاستی که جایگاه ویژه ای در تقابل دو قطب تروریستی جهان معاصر دارد. در طرف دیگر حزب حکمتیست، اجتماعی شدن خود را در ائتلاف و همکاری با نیروهای اجتماعی و جنبشهای طبقات دیگر جستجو میکند. منشور سرنگونی این حزب عملا پروژه ای در این راستا است. قدرتمند شدن حزب را در ائتلاف با نیروهای غیر کمونیستی، غیر کارگری جستجو میکند. اما برای ما هیچکدام از این راهها میسر نیست. ما میخواهیم کمونیسم کارگری را اجتماعی کنیم. ما میخواهیم رادیکالیسم را اجتماعی کنیم. و در این راه کلیدی که پلنوم بر آن تاکید داشت جلب و جذب رهبران کارگری و رهبران جنبشهای اجتماعی بود. در مباحث پلنوم تاکید ویژه ای بر این واقعیت سیاست سازماندهی ما وجود داشت که بدون حضور رهبران و فعالین طیف رادیکال سوسیالیست کارگری هیچ حزبی نمیتواند نقش و دخالت ویژه ای در سازماندهی و رهبری مبارزات کارگری و اجتماعی داشته باشد. سؤال

بعدی در این راستا این بود که چگونه حزبی، با چه مختصاتی، با چه پراوتیک کمونیستی و کارگری میتواند و قادر به جلب و جذب این رهبران به صفوف حزبی خود خواهد شد؟ پلنوم در این زمینه مباحث ویژه و گیرایی داشت. گزارشات ارائه شده، تماما تاکید بر خط مشی داشت که حزب تلاش کرده است پرچمدار آن باشد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری دستور العمل ویژه ای را در مقابل خود قرار داده است. ما پروژه حزبی خود را با پرچم حزب سازمانده - رهبر خط کمونیستی منصور حکمت آغاز کردیم. زمانی که برای ما مسجل شد که رهبری حزب کمونیست کارگری و خط سنتی حمید تقوایی سرسختانه در مقابل تبدیل حزب کمونیست کارگری به چنین موجودیتی مقاومت خواهد کرد و از هیچ تلاش مشروع و حتی برخی تلاشهای غیر مشروع فروگذار نخواهد کرد، راهمان را متمنانه از این حزب جدا کردیم. راهی که ما در مقابل خود قرار دادیم سخت و امکانات ما محدود است. اما افقی که در برابر خود قرار داده ایم، جذاب و گیرا و شور انگیز است. ما انتخاب دیگری در مقابل خود نداریم، باید کمونیسم کارگری را به حزب و جنبشی سازمانده و رهبر اعتراضات کارگری و اجتماعی تبدیل کنیم. قدرتمند شدن ما و تحزب کمونیستی کارگری تنها راه مقابلمان است. دریافت خبر هراس اداره حراست کارخانجات ایران خودرو از نقش و جایگاه حزب اتحاد کمونیسم کارگری در مراکز عمده صنعتی کشور، تاکید بر این خط مشی و قوت قلبی در مسیر طی شده تا کنونی بود.

جدی مطرح بود که چگونه حزب اتحاد کمونیسم کارگری میتواند به طرف اعتراض کارگران رادیکال و سوسیالیست تبدیل شود؟ چگونه میتواند حزب سیاسی کارگران شود؟ مساله مهم و تعیین کننده دیگری که در خلال مباحث متعدد پلنوم برجسته بود، این باور عمیق و تلاش بود که نقش حزب اتحاد کمونیسم کارگری در تحولات جنبش کمونیسم کارگری تعیین کننده است. اینکه این حزب پرچمدار کمونیسم کارگری منصور حکمت است. اینکه این حزب موظف است خط کمونیستی منصور حکمت را نمایندگی کند. دیگر احزاب کمونیست کارگری هر چه بیشتر در حال دوری و جدایی از این خط مشی کمونیستی و کارگری هستند. و اینکه کمونیسم کارگری بدون این پرچم قادر به پیروزی و تصرف قدرت سیاسی نیست.

نفس اینکه حزبی که مدت زمان مدیدی از شکل گرفتن تشکیلاتی آن نمیگذرد به چنین مسائلی می پردازد، برای کلیه شرکت کنندگان شور انگیز بود. و مهمتر اینکه چنین سئوالاتی برای پلنوم مقدمه و یا تلاش برای گام گذاری در مسیر ناشناخته ای نبود. پرداختن به مسائل گرهی در راهی است که در حال پیموده شدن است. به این اعتبار مسائل و مباحث صرفا ناشی از و یا بر محور آغاز یک تلاش نظری و سیاسی متمرکز نبودند. تجربیات راه طی شده تاکنون نیز در این راستا مطرح بودند که تصویر روشن تری از پیشرفتها و گرهگاههای پیشروی و معضلات و مشکلات ارائه میدادند.

همانطور که اشاره کرده اید مساله اجتماعی شدن حزب یک محور اصلی بحث در این پلنوم بود. سؤال و مساله اصلی این بود که چگونه یک حزب کمونیستی کارگری در شرایط کنونی ایران

یک دنیای بهتر: پلنوم سوم حزب اخیرا برگزار شد. از نظر شما ویژگی های این پلنوم چه بود؟ مساله اجتماعی شدن حزب یک محور بحث در این پلنوم بود. چه پروسه ها و اقداماتی مد نظر است؟ تاکیدات و الویتهای حزب در این دوره بر چه محورهایی استوار خواهد بود؟

**علی جوادی:** پلنوم سوم حزب اتحاد کمونیسم کارگری پلنوم یک حزب جدی و با اعتماد به نفس بود که در عین حال اینکه در حال طی کردن دوران اولیه حیات تشکیلاتی خود است همزمان نیز به مسائل بزرگ و اساسی آینده خود می پردازد. اسیر حال نیست. تماما در رویای آینده نیز غرق نشده است. حزبی که در عین حال به خود نگاهی ابژکتیو دارد. موقعیت فعلی اش را ارزیابی میکند. موقعیتی را که باید در آن قرار بگیرد را میشناسد. بر ملزومات و نیازمندیهای راه پیشروی خود واقف است. کمبودهای کنونی اش را میشناسد و تلاش برای رفع آنها را به اولویت خود تبدیل میکند. حزبی که میخواهد خود را به نیروی اصلی سازمانده اعتراض سوسیالیستی طبقه کارگر و پرچمدار چپ و کمونیسم کارگری در جامعه تبدیل کند. این روح عمومی حاکم بر پلنوم بود.

در این پلنوم به سئوالات گرهی و تعیین کننده ای پرداخته شد. علاوه بر پرداختن به دستورات مشخص پلنوم، که گزارش جامع آن در اطلاعیه پایانی پلنوم آمده است، یک سؤال محوری پلنوم این بود که حزب اتحاد کمونیسم کارگری چگونه میتواند به یک حزب اجتماعی کمونیستی تبدیل شود؟ راههای پیموده شده کدامند؟ انحرافات و بیراهه ها کدامند؟ ملزومات چنین پیشروی ای کدام است؟ در همین ارتباط این مساله

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

پلنوم سوم حزب، بزرگداشت منصور حکمت، تبلیغات جنگی، حکم جلب رئیس جمهور سودان...

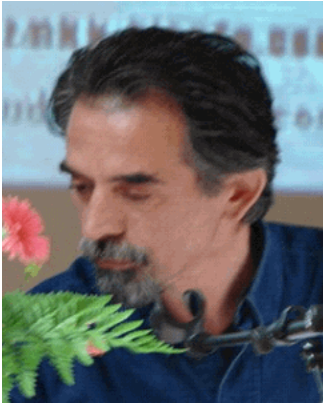
**سیاوش دانشور:** پلنوم سوم حزب مسائل عدیده و متنوع و ریز یک حزب کمونیستی درگیر در جنبش کارگری را منعکس میکرد. پلنوم به پیشرویهای حزب در فاصله دو نشست کمیته مرکزی آگاه بود. شاخصهای پیشروی، چه کمی و چه کیفی، عمدتاً روشن بودند. مسائلی مانند رشد حزب، جلب اعتماد در میان کمونیستها و رهبران کارگری، برخورد مسئولانه به مسائل سیاسی و مشخصاً جنبش کمونیسم کارگری و جنبش اعتراضی کارگران، هم نظری سیاسی سطح بالا، هم جیتی و هم خطی و تاکیدات مشترک بر آنچه که باید صورت گیرد، را عموماً میتوان اینجا اشاره کرد. تمام مباحث پلنوم را یک رشته به هم پیوند میداد. پلنوم تلاش کرد در هر زمینه به نقد دیدگاه و روشها و سبک کار چپ رادیکال و سنتی بپردازد تا خط مشی و نگرش و سبک کار کمونیستی را صیقل دهد. در این پلنوم خبری از تهییج های خود خشنود کن، رقابت با جریانات بغل دستی، دنیای محدود و مسائل کوچک نبود. آنچه بود این دیدگاه بود که برای نمایندگی کمونیسم کارگری در ایران و پیروزی این جنبش چه باید کرد و از چه باید اجتناب کرد. همینطور یک ویژگی پلنوم تاکید بر نقاط ضعف و تلاش برای ارائه راه حل بود. ما برای یک پیروزی تمام عیار کارگری خود را آماده میکنیم و تامین ملزومات این روند مشغله اساسی رهبری حزب ماست. هر نسخه ای کمتر از این برای ما نسخه شکست است.

مسئله اجتماعی شدن حزب نیز به این اعتبار برای ما مطرح است. باید تاکید کنم که فی الحال حزب بعنوان "یک خطر" توسط بورژوازی و مزدورانش در قلب طبقه کارگر جار زده شده است. جیق شان درآمده است! اما اینها برای ما مثل تیغ دولبه هستند.

تیغی که میتواند پای حزب و جنبش ما را اره کند. ما با هوشیاری بالایی به موضوع برخورد کردیم. درپس وضعیت و موقعیت جدید حزب وظایف سنگین تر و توقعاتی که در مقابل ما صف میکشند را دیدیم. همینجا تاکید کردیم که باید مواظب بود و دچار بیماری قدیمی چپ رادیکال و سنتی و استفاده فرقه ای از وحشت بورژوازی نشد. قطبنمای سیاسی و استراتژیک حزب را نباید گم کرد. نباید به موقعیت کنونی راضی بود و نباید در دستاوردهای تاکتونی "لم" داد. یک نکته مهم و محوری بحث اجتماعی شدن حزب برای ما، جایگاه قوی و موثر و گسترده در جنبش کارگری است. متأسفانه تجارب تاکتونی احزاب کمونیست در مورد این سوال که اساساً بحثی راجع به قدرت است، رقیق کردن کمونیسم و یا حاشیه ای شدن بوده است. برای ما توده ای کردن رادیکالیسم کمونیستی مطرح است. راستش زیاد نیاز به تفحص و غور دانشمندان ای نیست. اگر یک حزب کمونیستی کارگری، حزبی که واقعا شایسته این نام باشد، در اساس حزبی کارگری است، اگر جنبش کارگری است، اگر چنین حزبی تریبون مارکسیستهای حزبی در لحظات و مومنتوم های مبارزه کارگری و کل طبقه وجود دارد، میشود دیدش و میشود به آن اتکا کرد، چنین حزبی عمیقاً اجتماعی است. حزب طبقه خودش است. حزبی است که از این مکان اجتماعی به جامعه و مسائل اش نگاه میکند و پاسخ کارگری و کمونیستی خود را میدهد. ما در همین راه گام برداشته ایم. تمام بحث کمونیسم کارگری منصور حکمت بر این اساس استوار است. تمام نقد چپ رادیکال و سنتی و ناسیونالیستی بر این اساس استوار است. تمام نقد روشها، منشاء، سبک کار، و مناسبات حزبی چپ رادیکال بر همین اساس استوار است. ما حزبی میخواهیم برای سازماندهی انقلاب کارگری و آزادی کل جامعه. چنین حزبی

نمیتواند حزب رهبران و پیشروان طبقه نباشد. چنین حزبی نمیتواند ظرف اعتراض کارگر علیه سرمایه و سلاح کارگر در جنگ روزمره و بیوقفه و گاه آشکار و گاه پنهان علیه سرمایه نباشد. توجه به گرایش رادیکال سوسیالیست بعنوان ماتریال اجتماعی حزب و از این طریق توجه به حرکت کل طبقه برای ما اهمیت تعیین کننده دارد. چنین حزبی با بالا و پائین رفتن تب دعوی جناح های حکومت و یا پیشروی و پسروی جنبش سرنگونی افق اش را از دست نمیدهد. برای ما چنین اجتماعی شدنی از ابتدای کار یک هدف اساسی بود. بحث پلنوم هم تداوم این خط و تدقیق آن بود.

چه پروسه ها و اقداماتی مد نظر هستند؟ تا به تحکیم و تقویت حزب مربوط است، سیاست ما ساختن مرتب حزب در متن جنبش کارگری است. ما برای ایجاد یک حزب تمام عیار سیاسی کارگری و کمونیستی تلاش میکنیم. تاکیدات و الویتهای کمیته سازمانده حزب را اینجا نمیتوان بحث کرد. طبعاً هر جا بنا به اهمیت نقشه ما فرق میکند. اما خط عمومی و رشته ای که همه این فعالیتها را به هم پیوند میدهد این است که حضور حزب، کارگر و اعتراض کارگری را تقویت و متحدتر کند. کارگر سوسیالیست و کمونیست در این حزب بیگانه نباشد و حزب بدون آنها و آنها بدون حزب قابل تعریف نباشند. از نظر عملی و سبک کاری حزب تاکیدات مهمی دارد که خوشبختانه پراتیک بخش محدودی از آن تا همینجا نتایج بسیار مثبتی داشته است. کار روی جوانب سبک کاری و رایج کردن سبک کار کمونیستی در جنبش کارگری یکی از اقدامات بیوقفه ماست. به همین اعتبار برای ما نقد مرتب گرایشات راست و قانوننگرا موضوعیت دارد. یک تاکید مهم دیگر ما در این زمینه نشان دادن صلاحیت رهبری کمونیستها و گرایش رادیکال



کارگری در اعتراضات به توده وسیع تر طبقه کارگر است. حزب در این زمینه باید نقش جدی و بدون اما و اگر ایفا کند. از نظر سیاسی و مبارزاتی و قلمرو هانی که کل طبقه کارگر و اکثریت مردم محروم با آن روبرو هستند، حزب روی مسئله فقر و فلاکت و گرانی بطور ویژه قطعنامه ای صادر کرده است که در شماره ۵۷ یک دنیای بهتر منتشر شده و جداگانه راجع به آن بحث میکنیم.

در یک کلام، مسیری که میرویم درست است. خط سیاسی و اولویت کاریمان درست است. با شاخصهای مورد قبول یک حزب سیاسی کارگری و مارکسیستی کار کردیم. حزبی دخالتگر و مسئول و موثر بودیم. افق مان روشن است و میدانیم کجا باید برویم. تلاش پلنوم این بود که این راه را بسرعت و سنجیده طی کنیم. بحث حزبی و جا انداختن نرمها و سبک کار و موازین کار حزبی برای ما به این اعتبار معانی وسیع تری از تحزب به معنی محدود کلمه دارد. همه اینها مشغله ها و سوالات واقعی و عملی و روز حزب اند که در پلنوم در بحثها و جلسات مختلف بدرجات متفاوت طرح شدند.

**آثر ماجدی:** این پلنوم یک سال پس از تشکیل حزب برگزار شد. از این رو موقعیت مناسبی بود که به فعالیت های حزب طی یک سال موجودیتش نگاهی انداخته شود. ارزیابی پلنوم بر این نکته استوار بود که جهت گیری عمومی استراتژیک حزب درست و اصولی بوده است. علیرغم مدت کم و



## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

پلنوم سوم حزب، بزرگداشت منصور حکمت، تبلیغات جنگی، حکم جلب رئیس جمهور سودان...

سبک کار پوپولیستی را از فعالیت حزب بزداید.

امکانات محدود، حزب دستاوردهای مهمی کسب کرده است. حزب در ابتدای تشکیل، پلاتفرم حزب سازمانده، حزب رهبر را در مقابل خود گذاشت. بعلاوه پروژه اتحاد صفوف کمونیسم کارگری را نیز بعنوان یک پروژه اصلی و مهم خود تصویب کرد. فعالیت حزب بر مبنای این دو پلاتفرم پیش رفته است. قطعاً همیشه میتوان به این ارزیابی رسید، که میشد بهتر و سریع تر کار کرد. اما نکته مهم این بود که جهت گیری حزب بر مبنای اصول تعیین شده پیش رفته است.

طی پلنوم، چه در مباحث مربوط به گزارش و چه در مباحث مربوط به سازماندهی و سبک کار سیمای یک حزب درگیر در مبارزه کارگری و درگیر در جنبش های اجتماعی را میشد دید. مباحث زمینی و جهت دار بسوی مبارزات عینی طبقه کارگر و مردم علی العموم بود. این یک واقعیت شعف انگیز است. ممکن است پرسیده شود، مگر فعالیت یک حزب کمونیستی کارگری غیر از اینست؟ خیر، این دقیقاً سبک کار یک حزب کمونیستی کارگری است. اما تلاش چند سال اخیر ما در حککا برای تغییر شیفت حزب و قرار دادن آن روی این ریل و تبدیل حزب از یک حزب مبلغ به یک حزب سازمانده، آنچنان با شکست روبرو شد که اکنون که میتوانیم پس از یک سال به مباحث مربوط به سبک کار و سازماندهی بپردازیم و چنین اشعاری به معضلات را در میان کادرها مشاهده کنیم، احساس شعف بر انسان مستولی میشود. این بنظر من مهمترین ویژگی این پلنوم بود. پلنوم تلاش داشت معضلات بر سر راه سازماندهی را حل کند. میکوشید سبک کار درست و کمونیستی را کاملاً بر فعالیت حزب حاکم کند و بازمانده های

متمرکز شویم. دسترسی خود را به جامعه گسترش دهیم. از جمله پوشش تلویزیونی و رادیویی خود را افزایش دهیم. و امکانات مادی حزب را گسترش دهیم. بنیه مالی حزب بسیار ضعیف است و این دست و پای ما را می بندد.

یک نکته مهم و اساسی دیگر که پلنوم تاکید بسیاری روی آن داشت و زمان بسیاری به آن اختصاص یافت، مبحث حزبیت بود. بر ساختن ساختار حزبی چه در داخل کشور و چه در خارج تاکید شد. انضباط و فعالیت هماهنگ حزبی نیز مورد تاکید بسیار قرار گرفت. همه اذعان داشتند که بدون یک حزب محکم، منضبط و مدرن سیاسی مارکسیست امکان پیروزی نخواهیم داشت. لذا پلنوم قراری را در این مورد تصویب کرد و بر جاری کردن این اصول در حزب و پیشبرد مجادله امر آموزش تاکید گذاشت.

در مجموع باید بگویم که این پلنوم بسیار موفقیت آمیز بود. یک روحیه فعال و پر انرژی و شاد و امیوار به آینده بر پلنوم حاکم بود. نقش فعال حزب در مبارزات اجتماعی و سیاسی به همه اعتماد به نفس کمونیستی بخشیده بود. بویژه اخبار مربوط به اعتصاب ایران خودرو که درست در پایان پلنوم رسید، همچون مهر تائیدی بود بر مباحث پلنوم.

**یک دنیای بهتر:** در حاشیه پلنوم مراسم بزرگداشت ششمین سال درگذشت منصور حکمت برگزار شد. چند مساله: چگونه یاد منصور حکمت را میتوان و باید گرامی داشت؟ نقش و جایگاه کمونیسم منصور در تحولات سیاسی آتی چیست؟ تعرضات به ترزا و نقش و جایگاه منصور حکمت را چگونه باید پاسخ داد؟

بعلاوه باید بتوانیم نقش موثرتری در سازماندهی جنبش های اعتراضی ایفاء کنیم. جنبش آزادی زن بطور نمونه یکی از این جنبش های اجتماعی مهم است. حزب پتانسیل بسیار مناسبی دارد. باید بتوانیم نیروی بیشتری مصروف این مساله کنیم. همچنین نیروی بیشتری باید صرف جنبش های اعتراضی دیگر کنیم. بدین منظور باید حزب را تقویت و گسترده کنیم. باید بر عضو گیری گسترده



**آنر ماجدی:** پلنوم مصادف بود با ششمین سالگرد درگذشت منصور حکمت. موقعیت را مناسب دیدیم که با هم یاد او را گرامی بداریم. فیلم سخنرانی او در کنفرانس آلمان در سال 1999 را دیدیم. صحبت های او انگار خطاب به پلنوم ما گفته میشد. برای اولین بار در این 6 سال اخیر که به یاد او مراسم یادبود برگزار میکنیم و هر زمان فیلم یکی از سخنرانی های او را نگاه میکنیم، فعالیت حزب را با سخنان او نزدیک میدیدم. این جای شعف دارد. احساس میکردم بالاخره توانسته ایم سیاست ها و سبک کاری که او آنقدر بر آن تاکید داشت را کم و بیش در حزب جاری کنیم.

بنظر من تنها راه گرامیداشت او در عرصه سیاسی، تلاش برای پیاده کردن سیاست ها و سبک کاری است که او مد نظر داشت و تلاش بسیاری برای جاری کردن آن در حککا داشت. پس از مرگ او سبک کار حککا یک بازگشت کامل به عقب داشت. اکنون حککا هیچ ربطی به کمونیسم کارگری منصور حکمت ندارد، نه در سطح نظری و نه در عمل. یک سبک کار پوپولیستی کامل بر این حزب حاکم است. سبک کاری که منصور حکمت در کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست نقد کرد. تلاش ما برای حاکم کردن سبک کار کمونیسم کارگری در حزب بهترین راه گرامیداشت او است.

بعلاوه، اکنون سیاست های راست و سکتاریستی به نام او در دو حزب حککا و حکمتیست حاکم است. این سیاست ها را به اسم منصور حکمت خواهند نوشت. این وظیفه ما است که با قاطعیت این سیاست ها را نقد کنیم و بکوشیم تا سیاست های کمونیسم کارگری را در

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

پلنوم سوم حزب، بزرگداشت منصور حکمت، تبلیغات جنگی، حکم جلب رئیس جمهور سودان...

حزب حاکم کنیم. باید بکوشیم رادیکالیسم دیدگاه کمونیسم کارگری منصور حکمت را اجتماعی و توده ای کنیم. باید هشیار باشیم که در راه اجتماعی شدن به راست نچرخیم. این یکی از نکات محوری کمونیسم کارگری منصور حکمت است. ضمناً باید تلاش کنیم که ادبیات او را هر چه وسیعتر در جامعه انتشار دهیم. نوشته های او را به زبان های مختلف ترجمه کنیم و او را هر چه وسیعتر در سطح بین المللی بشناسانیم. این ها را ما از ابتدا در دستور کار خود گذاشته بودیم، اما متأسفانه اختلافات و جدایی ها در حکما مانع این کار شد. باید دوباره دست بکار شویم.

اکنون درست به خاطر این اختلافات و جدایی ها، جریانات چپ دیگر، بویژه کسانی که در دوره ای از حزب جدا شده اند، باصطلاح به نقد نظرات منصور حکمت آغاز کرده اند. بنظر میرسد که فکر کرده اند، در این وضعیت کسی نیست که پاسخ درخور به آنها بدهد. به تئوری های غیرمارکسیستی و زنگ زده دست برده اند تا مارکسیسم منصور حکمت را نقد کنند. از این بگذریم که اینها تا زمانی که خود او زنده بود، بخود جرئت این کار را نمیدادند، اما این تعرضات باید پاسخ بگیرد. این نیز یکی از وظایف مهم ما است. تاکنون هم این ما بوده ایم که از منصور حکمت و تاریخ حزب کمونیست کارگری در زمان حیات منصور حکمت در مقابل تعرضات و تحریفات دفاع کرده ایم. این کار را باید مجدانه و قاطعانه به پیش ببریم.

پیروزی انقلاب کارگری کاملاً منوط به این است که ما بتوانیم یک حزب وسیع سیاسی مارکسیستی بسازیم که کارگر

است. بعد از انقلاب 57 و مجادلات مارکسیستی مهمی که صورت گرفت، کمونیسم کارگری منصور حکمت یک ترند وسیع و شناخته شده است که رد پایش را در هر تحرک سیاسی آزادیخواهانه میتوان دید. اما این برای ما کافی نیست. هدف ساده و روشن ما پیروزی کمونیسم در ایران است. منصور حکمت و استراتژی کمونیستی کارگری او در محور این تحولات قرار دارد. برای ما مسئله اینست که طبقه کارگر ایران اینبار در تحولات سیاسی با حزب کمونیستی اش، با صف متمایز طبقاتی اش در مقابل کل بورژوازی، با پرچم آزادی جامعه و بعنوان رهبر آزادی بشر حضور یابد. معنی مشخص این مسئله اینست که حزب بتواند حزبی باشد که با این سیاستها و این پرچم در سنگرهای اساسی به جنگ بورژوازی برود. معنی اش اینست که کمونیسم کارگری را بعد از یک دوران طولانی از شکست انقلاب اکتبر بار دیگر به افق آزادی بشر تبدیل کرد. معنی اش اینست که کارگر بار دیگر با کمونیسم یک پدیده واحد شود و حزب کارگری کمونیستی حزب رهبران و پیشروان طبقه ای باشد که صلاحیت و شایستگی و توان عینی به فرجام رساندن انقلاب کارگری علیه سرمایه داری را دارد. ما چنین حزبی میخواهیم و برای این امر تلاش میکنیم.

پاسخ ما به صف ضد کمونیستی کارگری منصور حکمت بدوا پاسخی اجتماعی و طبقاتی است. این یعنی با حضور موثر حزب در سنگرهای مهم نبرد طبقاتی در مقابل بورژواها و حکومت شان، یعنی مقابله با آرا طبقه حاکم و ایدئولوژی منحل بورژوازی، یعنی رفع موانع پیشروی کارگر در مبارزه علیه سرمایه داری و حکومت مرتجع اسلامی. از این موضع اجتماعی و طبقاتی، پاسخ موکلین ریز و خجول بورژوازی را که با زبان و عبارت پردازیهای چپ، کارگر

بتواند در آن مبارزه خود را به پیش برد. چنین حزبی باید بر مبنای سیاستها و نظرات منصور حکمت شکل گیرد و به پیش رود. به میزانی که ما بتوانیم در راستای نظرات منصور حکمت حرکت کنیم و سیاستهای سازماندهی و سبک کاری او را در حزب جاری کنیم، امکان پیروزی انقلاب کارگری و استقرار جمهوری سوسیالیستی افزایش می یابد. کمونیسم کارگری منصور حکمت تنها راه پیروزی انقلاب کارگری است.

**سیاوش دانشور:** منصور حکمت کمونیست انقلابی و مارکسیستی بود که تمام عمرش را در دفاع از کمونیسم ضد کاپیتالیستی و مارکسی و کارگری سپری کرد. عمر کوتاهی که متأسفانه اجازه نداد که کار و پروژه ای را که در صحنه سیاست ایران شروع کرد به فرجام برساند. منصور حکمت بعنوان یک کمونیست و یک نظریه پرداز مارکسیست و یک انقلابی سازش ناپذیر در مبارزه کمونیستی غیرقابل حذف و انکار است. کسانی که میخواهند قواره فرقه ای کوچک خود را با زدن و یا کنار زدن منصور حکمت بزرگ جلوه دهند اشتباه سنگینی میکنند.

برای ما مسئله متفاوت است. اولاً، این حزب منصور حکمت و مدافع سیاستهای کمونیستی مارکس و منصور حکمت است. به این اعتبار دفاع از مارکس و منصور حکمت برای این حزب تعطیل ناپذیر است. ثانیاً، بزرگداشت منصور حکمت برای ما موضوعی سیاسی است. نه فقط باید منصور حکمت را معرفی کرد و نسل جدید را به خواندن بیشتر آثارش تشویق کرد، بلکه باید خط و سیاست مارکسیستی و کارگری منصور حکمت را به خط مسلط کمونیسم ایران تبدیل کرد. این امر امروز وجود دارد اما برای ما ناکافی

را از کمونیسم و انقلاب کارگری میترسانند نیز خواهیم داد. به نظر من تعرض به کمونیسم و مارکسیسم نه جدید است و نه حتی با پیروزی کارگری در ایران خاتمه می یابد. این یک ویژگی نظام ضد کارگر سرمایه داری و متفکرین قلم به مزد آنهاست. با اینحال ما بعنوان کمونیست باید در کشمکشهای مهم فکری دوره خود از موضع و منفعت و حقانیت کمونیسم کارگری شرکت کنیم. ما پاسخ هر تحریفی را میدهیم، اما توجه اکید داریم که وقت خود را به جریانات و محافل بی تاثیر و حاشیه ای مشغول کردن، که تاکنون نتوانسته اند یک لیوان شیر به غذای کودک کارگر اضافه کنند، کاری عبث و بیهوده است. وارد شدن در این سطح پائین آوردن کمونیسم و منصور حکمت است. دشمن ما بورژوازی است و طبقه حاکم بیش از هر کسی "خطر" کمونیسم کارگری و منصور حکمت را میشناسد. این "خطر" باید به کابوس شبانه روزی اینها تبدیل شود. و این یعنی بردن این دیدگاه و این نقد و این نگرش و این روش مبارزه به جایی که مربوط به آنست. کاری که ما با افتخار آن را شروع کرده ایم. من راه بهتر و موثرتری برای دفاع از منصور حکمت نمیشناسم. هر نوع دفاع دیگری از منصور حکمت، بدون دفاع از حرمت انسانی کارگر و بدون تبدیل کمونیسم کارگری منصور حکمت به پرچم انقلاب کارگری، در بهترین حالت دفاعی سکتی و برای مصارف دیگر است. چنین "دفاعی" نه فقط نفعی برای کارگر و کمونیسم و منصور حکمت بعنوان زبان گویای آن ندارد بلکه تلاشی آگاهانه یا ناآگاهانه علیه منصور حکمت و بزیر کشیدن پرچم آنست.

**علی جوادی:** آنچه در حاشیه پلنوم برگزار شد یاد بود کوچکی برای یک انسان بزرگ بود. انسان بزرگی که نقش اش حداقل در تاریخ تحولات ایران و منطقه و شاید در جهان، زمانیکه کمونیسم کارگری به اهداف خود دست یابد، بی



## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

پلنوم سوم حزب، بزرگداشت منصور حکمت، تبلیغات جنگی، حکم جلب رئیس جمهور سودان...

نظیر است و خواهد بود. اما چگونه میتوان یادش را گرامی داشت؟ منصور حکمت یک شخصیت همه جانبه و چند بعدی است. تجسم و فشرده و سمبل کلیت کمونیسم کارگری است. به این اعتبار پرداختن به تمام جوانب چنین مجموعه ای معمولا کار چندان آسانی نیست. بنظر من در دو سطح میتوان و باید حق مطلب را در باره منصور حکمت ادا کرد. در ظرفیت سیاسی: پرداختن به جوانب متعدد تلاش او، ویژگی ها و رگه فکری که نمایندگی میکرد، نقش و جایگاه نقطه نظرات و پراتیک سیاسی و اجتماعی اش. و از طرف دیگر در ظرفیت شخصی: در ظرفیت انسانهایی که در کنار او بودیم. در تجربیات سیاسی و حزبی او در برخی از تجربیاتش سهمیم بودیم. من در اینجا به گوشه هایی از تلاش عظیم سیاسی او و رگه فکری و جنبشی که او نمایندگی میکرد اشاره میکنم.

منصور حکمت سیما و مکان اجتماعی کمونیسم را در ایران و منطقه دگرگون کرد. ویژگی ها و مختصات کمونیسم را در دوران پیش از منصور حکمت در نظر بگیرد، آن را با کمونیسم کارگری در دوران منصور حکمت مقایسه کنید. واضح است که به دو پدیده سیاسی و اجتماعی کاملا متفاوت نگاه می کنید. کمونیسم پیش از منصور حکمت کیسه بوکس بود. بدهکار بود. به لحاظ اجتماعی اساسا جنبش تحصیل کردگان و دانشجویان و روشنفکران جامعه بود. اساس سوخت و ساز و تحرکش در صفوف این نیروها و افشار جامعه بود. کارگر و مشغله های کارگری و انقلاب کارگری و سازماندهی کارگری مساله اش نبود. نیروی کارگری نبود. به لحاظ سیاسی و نظری عمیقا پوپولیست و آغشته به انواع تمایلات و گرایشات عقب مانده و

حتی مذهبی بود. منصور حکمت این جنبش را دگرگون کرد. پوپولیسم را روی تناقضاتش خرد کرد. آثاری چون، اسطوره بورژوازی ملی و مترقی، حل مساله ارضی، خطر فلاکت و راه مبارزه با آن، دو جناح بورژوا - امپریالیست و نقد سوسیالیسم خلقی و ... آثاری جاودانه در نقد سنت و گرایش پوپولیستی است. اما این مجموعه تنها یک رکن تلاش منصور حکمت است. بخش دیگر آثارش در نقد سبک کار پوپولیستی درجه ای بود برای تغییر مکان اجتماعی و طبقاتی جنبش کمونیستی در ایران و انجام یک انتقال عظیم اجتماعی و طبقاتی. در این چهارچوب تلاشهایی که از کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست انجام شد، تا مباحثی در مورد سیاست سازماندهی کارگری، آژیتاتورهای علنی، حوزه های حزبی و آکسیون کارگری، تشکلهای توده ای کارگری، سبک کار کمونیستی، عضویت کارگری و ... آثاری از مجموعه درخشان و ارزنده منصور حکمت در زمینه سبک کار هستند. کمونیسم کارگری قبل و بعد از منصور حکمت دو پدیده کاملا متفاوتند. دو جنبش اجتماعا متفاوتند. این تلاشها به ترسیم سیمای سیاسی و مختصات اجتماعی و طبقاتی جنبشی کمونیسم کارگری منجر شد. امروز این جنبش کاملا تعیین یافته است.

اما به نظر من ویژگی و نقش برجسته منصور حکمت را باید در رگه فکری و ویژه ای که او در سنت مارکسی و کمونیستی نمایندگی میکرد، شناخت. منصور حکمت فقط یک متفکر عظیم مارکسیستی در چند دهه اخیر نبود. منصور حکمت فقط یک پراتیسین و سازمانده و رهبر حزبی در دوران معاصر نبود. منصور حکمت در عین حال نماینده یک رگه فکری در چهار چوب سنت مارکسی و در صفوف جنبش

یک مجموعه نظری و سیاسی است که از نظر من مختصات عمومی کمونیسم و مارکسیسم منصور حکمت را بیان میکنند. هیچ متفکر دیگری در تاریخ معاصر چنین جایگاه و نقشی نداشته است. منصور حکمت نماینده انسانیت و سوسیالیسم معاصر است.

پرسیده اید به تعرضات به تزاها و تلاشهای منصور حکمت چگونه باید برخورد کرد؟ مساله ساده ای است. این تعرضات تلاشی برای مقابله با رادیکالترین نیروی کمونیسم معاصر در سازماندهی انقلاب کارگری است. جنبشهای اجتماعی غیر کمونیستی - غیر کارگری ناچارند در پروسه تحرک خودشان با کمونیسم منصور حکمت رو در رو شوند. این دینامیسم حرکت این جنبشهاست. این تلاشها را به سادگی میتوان و باید در هم کرید. پروسه نقد و جارو کردنشان متفاوت از نقد و افشای بسترهای اصلی چنین گرایشاتی در جامعه نیست. به همان درجه که ما ناسیونالیسم و جنبش ملی - اسلامی و مبانی سیاسی و نظری آنها را نقد میکنیم در عین حال این جریانات را حاشیه ای میکنیم.

**یک دنیای بهتر:** بار دیگر تبلیغات جنگی اوج گرفته است. دولت اسرائیل دست به یک عملیات آزمایشی حمله نظامی زده است. رژیم اسلامی موشکهای میان برد خود را آزمایش کرده است. در عین حال صحبت از "سازش" و "جام زهر" و "حمله نظامی اسرائیل" به ایران است. اخیرا نیز اعلام شد که یک دیپلمات عالیرتبه آمریکایی در مذاکرت با هیات نمایندگی رژیم اسلامی شرکت خواهد کرد. ارزیابی عمومی شما چیست؟ آیا سازش و بند و بستی در راه است؟ آیا حمله نظامی قریب الوقوع است؟ ملاحظات عمومی کدامند؟

**علی جوادی:** این مجموعه در حقیقت هر دو

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

پلنوم سوم حزب، بزرگداشت منصور حکمت، تبلیغات جنگی، حکم جلب رئیس جمهور سودان...

سوی یک کشمکش و جدال عمومی تر را بیان میکنند. این نیروها امروز پرچمدار دو قطب تروریستی در سطح جهان هستند. یکی برای تثبیت موقعیت جهانی و بلامنازع خود در پس از سقوط بلوک شرق تلاش میکند. دیگری برای گسترش سهم و تضمین بقای حاکمیت اسلام سیاسی در سطح منطقه و ایران. قطعنامه مصوب پلنوم سوم حزب در این زمینه بطور مفصل بحث کرده است. و چنین روندی را کاملا پیش بینی کرده است. از نقطه نظر ما، هم حمله نظامی محتمل است و هم سازش موقت و بند و بست این جریانها. هم مذاکره میکنند، هم تهدید به حمله میکنند. این عرصه ها ویژگی درگیری و کشمکش دو قطب تروریستی معاصر است. زمانی برای محدود کردن عرصه های فعالیت و دامنه نفوذ یکدیگر وارد جنگ و حمله نظامی و کشمکش میشوند. در مقاطعی برای تثبیت موقعیت خود و حفظ آنچه در کنترل دارند، وارد مذاکره و بند و بست میشوند. و باز این روند جنگ و کشمکش و سازش و بند و بست و مذاکره دنبال میشود. این دور تسلسل کشمکش دو قطب تروریستی جهان معاصر است. چیزی شبیه به تقابل دو اردوی جهانی غرب و شرق در دوران جنگ سرد. همانطور که در عرصه هائی می جنگیدند، در عرصه هائی وارد مذاکره و بند و بست میشدند.

در قطعنامه حزب در این زمینه آمده است: " این تقابل در حال حاضر از اصلی ترین جدالهای جهان معاصر است. تداوم تقابل تروریستی میان دو قطب تروریسم عواقب جهانی و منطقه ای خطیری دارد. این جدالی گسترده و همه جانبه است و از هم اکنون میتوان مهر این تقابل را بر آرایش و بر کلیه وحدت های سیاسی و نظامی و فرهنگی و

اسلام سیاسی در خاورمیانه و مشخصا حفظ و تثبیت پیشرویهای این جریان در عراق و جهان عرب است.

در اینصورت به مساله حمله نظامی چگونه باید نگریست. ما هر روز شاهد اعلام تهدیدات طرفین هستیم. مسلمان آمریکا و اسرائیل و متحدینش نمیخواهند شاهد دیدن یک جمهوری اسلامی اتمی باشند. اما در رسیدن به این هدف خود در حال حاضر دارای محدودیتهای متعددی هستند. واقعیت این است که هر گونه حمله نظامی چاشنی یک جنگ و یک مجموعه از عملیات گسترده نظامی خواهد شد. عملیات نظامی محدود برای از بین بردن تاسیسات هسته ای جمهوری اسلامی یک تصور پوچ و باطل است. هر اقدامی با مجموعه ای از واکنشها در منطقه و چه بسا در جهان مواجه خواهد شد. شعله های جنگ و کشمکش را در مناطق و کانونهای متعددی در سطح منطقه گسترده خواهد کرد که بسادگی قابل کنترل و مهار نخواهد بود. از طرف دیگر ماشین نظامی آمریکا توان وارد شدن به یک جنگ با نیرویی مانند جمهوری اسلامی را ندارد. در افغانستان و عراق دچار مشکلات متعدد و گسترده ای است. ژنرالها و سازمانهای امنیتی که چندی پیش با اطلاعیه خود عملا مانعی در مقابل نقشه های باند نئو کنسرواتیو هیات حاکمه آمریکا قرار دادند، کماکان بر نظرات و مکانهای سابق خود قرار دارند. بر پی آمدها و عواقب چنین فاجعه ای برای هیات حاکمه آمریکا واقفند. از طرف دیگر مخالفت عمومی افکار عمومی چه در آمریکا و چه در سطح جهان یک عامل بازدارنده جدی است. در نقطه مقابل این فاکتورها باید فاکتور دیوانگی و افسارگسیختگی در هر دو سو این کشمکش را اضافه کرد. در شرایطی که دو اردو در مقابل هم دست به آرایش سیاسی و نظامی زده اند، هر واقعه

مذهبی دولتها و جریانات درگیر میتوان مشاهده کرد. کل دستگاه اسلام در مقابل دستگاه مسیحیت و یهودیت صف آرایی کرده است. این جدال تاکنون سیمای سیاسی و فکری جهان و منطقه را دستخوش تغییرات عمیقی کرده است و مانند هر تقابل جهانی فراز و نشیبهای خود را دارا است. تقابل سیاسی، سازش موقت، مذاکره، تحریم اقتصادی و تجاری و مالی و جنگ، از عرصه های متفاوت این رو در رویی ارتجاعی است. جبهه های اصلی این تقابل در حال حاضر عراق، فلسطین، لبنان، افغانستان و ایران است. رژیم اسلامی و هیات حاکمه آمریکا در مرکز این دو قطب و تقابل جهانی قرار دارند. تقسیم قدرت، تغییر توازن قوای سیاسی و جغرافیایی سیاسی منطقه از پی آمدهای اجتناب ناپذیر این جدال است."

بنظر من سازش و بند و بست پایداری میان نیروهای اصلی این دو قطب و مشخصا رژیم اسلامی و آمریکا با توجه به موقعیت این نیروها محتمل نیست. هر گونه رسیدن به تعادل دیگری میان این نیروها و یا سازش پایدار نیازمند تغییرات جدی در ویژگی ها و نیروهای هر کدام از طرفین و مشخصا رژیم اسلامی است که چنین چشم اندازی را به یک دورنمای کم و بیش غیر محتمل در شرایط کنونی تبدیل میکنند. به عبارت دیگر هر گونه تغییر استراتژیک در مناسبات این نیروها تا آنجا که به حکومت اسلامی برمیگردد مستلزم تغییرات جدی در صفوف جمهوری اسلامی است. چنین تغییراتی شاید در زمانی که رژیم اسلامی راه حل و قدرت مانور دیگری نداشته باشد، هم از بالا و هم از پایین در زیر ضربات خرد کننده ای قرار گرفته باشد که حتی راه فرار موقتی هم نداشته باشد، یک راه حل برای رژیم اسلامی باشد. اما در شرایط کنونی اساسا تلاشی برای حفظ موقعیت

کوچکی میتواند زمینه یک فاجعه جهانی شود.

ملاحظات عمومی ما در زمینه سیاست ما در قبال حمله نظامی احتمالی و جنگ چه در قطعنامه اخیر حزب و چه در بیانیه های قبلی حزب تماما و با جامعیت قید شده است. من خوانندگان را به مطالعه دقیق این اسناد رجوع میدهم. خط ما کاملا روشن است. ما برای سرنگونی رژیم اسلامی در پس یک انقلاب کارگری و برای شکست نظم نوین ارتجاعی و قدر قدرتی و قلدری آمریکا و متحدینش مبارزه میکنیم. ما تنها یک منفعت داریم و آنهم امر آزادی و برابری و رفاه همگان در جامعه است. سرنگونی تمام و کمال رژیم اسلامی پیش شرط تحقق چنین سیاستی است.

**یک دنیای بهتر:** دادگاه جنایی بین المللی حسن عمر البشیر را به جرم جنایت علیه بشریت متهم کرده است و خواهان محاکمه او است. از هم اکنون صف بندیهای در سطح جهان در قبال این مساله صورت گرفته است. نظر هیات دایر حزب در این زمینه چیست؟ اگر خامنه ای یا رفسنجانی در این لیست قرار گیرند چگونه باید برخورد کرد؟

**سیاوش دانشور:** به نظر من اجرای عملی این حکم بدلائل شکافهای موجود بین المللی و محاسبات و منافعی که هر سو دارد، و همینطور بدلیل پیامدهای فوری آن در سودان و دیگر کشورهای آفریقائی دور از دسترس است. سال گذشته هم قضات همین دادگاه کیفری بین المللی احکام بازداشت احمد هارون، یکی از وزیران دولت سودان، و احمد خشیب، رهبر یک گروه شبه نظامی فعال در دارفور را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی صادر کردند. اما اینها هنوز راست راست راه میروند و حسن عمر البشیر نیز در صف اول تظاهرات هوادارانش شرکت کرده و جواب نوع احمدی

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد

پلنوم سوم حزب، بزرگداشت منصور حکمت، تبلیغات جنگی، حکم جلب رئیس جمهور سودان...

نژاد را به این حکم داده است. این در حالی است که به گفته کارشناسان بین المللی، "در جریان جنگ داخلی سودان که از سال ۲۰۰۳ آغاز شده تا کنون دست کم دویست هزار تن جان خود را از دست داده و دو و نیم میلیون نفر نیز آواره شده اند".

از آنجا که در بیانیه دادستان دادگاه بین المللی اعلام شده "تمامی دستگاه دولتی" سودان متهم به شرکت و سازماندهی عملیات سازمان یافته علیه غیرنظامیان در دارفور هستند، بنابراین اجرای عملی این حکم به معنی تلاش مستقیم نظامی برای سرنگونی دولت سودان است. اینکه بحران فعلی سودان که خود ناظران سازمان ملل آنرا در آستانه جنگ داخلی جدیدی ارزیابی میکنند، با این حکم اخیر برای عمر البشیر به کجا میرسد؛ تابعی از اولویت جنگ تروریستها در این منطقه است. نوع برخورد و صف بندیهای موجود در قبال این موضوع، و همینطور درجه اعمال فشار دیپلماتیک به دولت حسن عمر البشیر، چه از طریق دولتهای غربی و سازمان ملل و چه توسط کشورهای اتحادیه آفریقا، تابعی از این اولویت و معضلات مشخص منطقه ای هستند. چون مابقی سران این دولتها و گروههای نظامی دست کمی از حسن عمر البشیر ندارند. اگر جنگ در دستور نباشد، که فعلا نیست، این حکم میتواند تلطیف شود و نتیجه آن در دالانهای دیپلماتیک سازشی سیاسی و تعادلی موقت و مقدر بین نیروهائی در سودان باشد که دسته جمعی زندگی مردم را گرو گرفته اند.

اما موضع ما نسبت به این حکم دو جنبه دارد. اول، ما هیچگونه احساس ناراحتی از محاکمه

و افغانستان و آمریکای لاتین و هر گوشه دنیا مستقیما دست داشتند، کنار حسن عمر البشیر و میلسویچ و دیگران محاکمه نشوند؟ این ریاکاری و استناد دارد دوگانه از کجا می آید؟ ما بعنوان جنبش سوسیالیستی و انسانهای آزادیخواه و خواهان اجرای عدالت و روشن شدن حقایق، از هر درجه تلاش برای افسار زدن به تبهکاران سیاسی و نظامی استقبال میکنیم. در عین حال میدانیم بسیاری از کیس های دادگاه جنایی بین المللی هدفش نه اجرای عدالت بلکه گوشه ای از اعمال قدرت طرف پیروز در یک جنگ وسیع تر است. ما طرف هیچکدام از این اردوهای تروریستی و قوانین شان نیستیم. با هر دو در تقابل ایم. در عین حال تلاش داریم راسا و توسط انقلاب پیروزمند کارگری به موضوع جرم و جنایت علیه بشریت در دادگاههای عادلانه و صرفا برای کشف حقیقت و عبور از آنها به این سوال پاسخ دهیم. از امروز تا استقرار حکومت کارگری، ما از زاویه منفعت جنبش مان و اصول انسانی مان و مواضع روشن سیاسی و طبقاتی مستقل مان به این موضوعات برخورد میکنیم. به همین اعتبار اگر این دادگاه بجای حسن عمر البشیر حکم جلب کلیت "دستگاه حکومتی جمهوری اسلامی" و امثال خامنه ای را صادر میکرد، ما از این موضوع به نفع گسترش جنبش آزادیخواهانه مان برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی بهره میبردیم.

**یک دنیای بهتر:** اعتراض کارگران ایران خودرو یک اعصاب مهم در یکی از بزرگترین مراکز کارگری است. رژیم واکنش ویژه ای به حضور حزب اتحاد کمونیسم کارگری در این اعتراضات کرده است. این اعتراض چه جایگاهی در استراتژی عمومی حزب برای پیشروی دارد؟

**آذر ماجدی:** خبر این اعتراض و واکنش "حراست" به آن، در پایان پلنوم به ما رسید، در پایان سه روز بحث در مورد دستاورد های حزب در جنبش کارگری از یک سو و تاکید بر گسترش نفوذ حزب در میان طبقه کارگر و تلاش برای جذب رهبران عملی کارگری، از سوی دیگر. گویی جنبش کارگری داشت جهت گیری حزب را مورد تأیید قرار میداد. واکنش رژیم به این اعتراض و اعلام اسم حزب در رابطه با اعتراض ایران خودرو و در اعتراضات کارگری "در سطح کشور... خصوصا در مجموعه های صنعتی موثر" (اتفاقی که برای اولین بار میافتد) مهر تأییدی بود بر پلاتفرم حزب سازمانده حزب رهبر که از زمان تشکیل فراکسیون، پلاتفرم ما بوده است. این واکنش رژیم به ما نشان داد که درست عمل کرده ایم و جهت گیریمان درست بوده است.

کمتر اتفاق میافتد (باید گفت که مدتهاست این اتفاق نیافتاده بوده است) که رژیم این چنین صریح نام یک جریان یا حزب سیاسی را در رابطه با مبارزات اعتراضی مردم، خصوصا مبارزات کارگری اعلام کند. از اعلام نام می پرهیزد تا خود باعث شناخته شدن بیشتر آن جریان نشود، خود به عامل تبلیغ برای آن حزب بدل نشود. خیلی حساب شده و دقیق عمل میکند. اگر این بار رژیم به این صراحت اسم حزب را، یک حزب کمونیستی را در رابطه با مبارزات طبقه کارگر در سراسر کشور مطرح کرده است، باید دانست که از دستش در نرفته است. بقولی سوتی نداده است. این کار را برای هشدار دادن به دولت و به سرمایه داران انجام داده است. و همین ثابت میکند که نفوذ حزب در جنبش کارگری بسیار وسیع و گسترده است. حزب توانسته میان طبقه کارگر کاملا نفوذ کند و اعتماد بخشی از رهبران عملی و کارگران رادیکال سوسیالیست را بخود جلب کند. این باعث شادی و هیجان است. این نشان میدهد که ما در پیشبرد





## کارگران و روبات ها

### ۲۳۰ کارگر ایران خودرو اخراج میشود

است. رقابتی که امروز جهانی است و از فاکتورهای اقتصادی در بازار جهانی تبعیت میکند. ایران خودرو هم در چند سال گذشته وارد این عرصه شده و کالاهایش در بازارهای کشورهای مختلف از جمله، روسیه، اوکراین، ترکیه، الجزایر، عراق، مصر، ارمنستان و ونزولا بفروش میرسد. ایران خودرو در این بازارها باید با شرکتهایی مانند پژو و تویوتا و رنو رقابت کند. معنی این امر یعنی بالا بردن استانداردها مطابق با نیازها و استانداردهای امروز بازار اتومبیل، ارزان بودن و مقرون به صرفه بودن اقتصادی برای خریداران است. یک وجه تناقض این روند، برخلاف هدف سرمایه داران برای کسب سود بیشتر، گرایش نزولی نرخ سود سرمایه است. و این بهانه‌ای است که سرمایه‌ها در رشته‌های مختلف باید برای بقا خود در جنگ رقابت بپردازند.

وجه دیگر تناقض این روند، معنی اجتماعی و انسانی آن برای کارگر و خانواده کارگری است. توان تکنولوژیک و علمی بشر و قدرت عظیم بارآوری کار، به جای اینکه در خدمت رفاه و آسایش طبقه کارگر و خالقان ثروت اجتماعی قرار گیرد، به اهرمی در جهت به فلاکت کشیدن هرچه وسیع‌تر طبقه کارگر بدل شده است. خدای جبار سرمایه، که توسط خود کارگران هر روز فربه شده، بیش از پیش بر فلاکت شان حکم میراند! این تناقض بنیادی‌تر سرمایه‌داری با نفس وجود اجتماعی و انسانی کارگر است. سرمایه بدون اردوی کار منکوب شده و له شده و حکومت و قوانینی که این وضع را نگهدارند نمیتواند بماند، و ارتش بردگان مزدی با وجود سرمایه و نظام مبتنی بر بردگی

بنا به تصمیم و اقدام مدیران و کارفرمایان مجتمع ایران خودرو، اخیراً تعداد 38 دستگاه روبات خریداری شده از کشور آلمان را در سایتهای یک و دو ایتکوپرس بکار گرفته اند. کار این روبات‌ها در زمینه برش و بسته بندی است. استفاده از روبات‌ها در جهت کاهش استفاده از نیروی انسانی در پروسه تولید است. بلافاصله و بدنبال این تغییرات تکنولوژیک در ایران خودرو، حکم اخراج بخشی از کارگران ابلاغ شد.

بلوری مدیر تولید سایت دو ایتکوپرس به کارگران اعلام نموده که تا پایان شهریور ماه 230 نفر از کارگران قراردادی را اخراج خواهند کرد! مابقی کارگران سایت دو ایتکوپرس را در سایت یک ایتکوپرس واقع در اتوبان کرج قزوین ادغام نموده اند. آنها اعلام داشته اند که روش کار تکنونی برای شرکت سوددهی نداشته و پول اضافی هم برای پرداخت به کارگران ندارند! اقدام بعدی و در همین راستا، تمدید نکردن قراردادهای و تغییر قراردادهای فی الحال منعقد شده است. شرکت از تمدید قراردادهای با کارگران امتناع کرد، و همینطور کارگرانی را که با شرکت قرارداد یکساله داشته اند، قراردادهای خود را به 3 ماهه تبدیل کرد. با این اقدام کارفرما، موج بیشتری از ابهام و اضطراب و فقر و بیکاری بر زندگی کارگران و خانواده‌های محرومشان سایه افکند. کارگران سایت دو ایتکوپرس از هم اکنون بشدت نگران بیکاری خود و چگونگی تحمیل هر چه بیشتر فقر و فشار به خانواده‌هایشان هستند.

آنچه که در ایران خودرو صورت گرفته است، یک حرکت اجباری عمومی و متناقض سرمایه‌داری در همه جای جهان و بویژه در مراکز مهم صنعتی است. سرمایه‌ها در روند رقابت در بازار و جنگ بقا، ناچارند مرتباً تکنولوژی و توان تولیدی را بالا ببرند. یعنی بر حجم سرمایه گذاشته شده برای ماشین‌آلات و دانش تکنولوژیک بیافزایند و حجم کمتری از سرمایه را به نیروی انسانی اختصاص دهند. نتیجه بلافاصله این تحولات در پروسه تولید، کاهش نیروی انسانی و بیکارسازیها و پرتاب بخشی دیگر از کارگران به ارتش بیکاری است. هدف سرمایه داران بالا بردن میزان سود و بقا در جنگ بازار و رقابت

## هیات دائر دفتر سیاسی حزب پاسخ میدهد...

پلاتفرمان موفقیت داشته ایم. این بیانگر آنست که توانسته ایم سیاست سازماندهی منصور حکمت و سبک کاری که او مطرح میکرد را تا حدودی به پیش بریم. این تازه آغاز کار ماست.

یک روی سکه برخورد اداره حراست است. روی دیگر آن اخباری است که بما میرسد: نشریه حزب در میان کارگران پخش میشود و کارگران در مورد حزب و سیاست‌هایش بحث میکنند. وقتی این دو تکه خبر را از دو اردوی متخاصم کار و سرمایه در کنار هم میگذاریم معما حل میشود. علیرغم این سانسور و سرکوب وحشیانه و خفقان و اختناق که بر جامعه و محیط کار حاکم است، کمونیسم کارگری در میان طبقه کارگر گسترش و نفوذ قابل توجهی دارد. حقیقت کمونیسم کارگری در دیوارهای سانسور و اختناق نفوذ کرده است. و این حقیقت سیاست‌های کمونیستی منصور حکمت را به اثبات میرساند.

این خبر ما را در ادامه راهی که در پیش گرفته ایم مصر تر و قاطع تر میسازد. باید این راه را با تمرکز نیروی بیشتر و با سرعت بیشتر ادامه دهیم. به امید پیروزی انقلاب کارگری و استقرار جمهوری سوسیالیستی.

\*\*\*

وضع شان تغییری نخواهد کرد. کارگران مخالف تکنولوژی و پیشرفت نیستند. چرا که کل پیشرفت جامعه بشری و ظرفیت نجومی بارآوری کار نتیجه فعالیت و کار اجتماعی آنهاست. توان فعلی بشر امروز و پتانسیل بسیار بیشتر آن در رفع نیازهای جامعه و رشد و تعالی فیزیکی و معنوی، تنها بر حقانیت و ممکن بودن و مبرمیت سوسیالیسم تاکید دارد. انتقاد کارگران کمونیست و سوسیالیست به این نظام اینست که چرا سد راه رهانی و آزادی بشر شده است؟ چرا این توان تولیدی و تکنولوژیک و علمی بشر در خدمت خود او نیست و به چماقی برای عقب راندنش به عهد فرعونها تبدیل شده است؟ این چه نظام کثیفی است که رشد علم و بیکاری و گرسنگی و تن فروشی و بیماری کارگر منجر میشود؟

### کارگران، هم زنجیران!

سرمایه داری به راستی نظامی گندیده و دشمن بچه‌ها و زندگی و عواطف و همه وجوه انسانی و اجتماعی طبقه ماست. اگر قرار است آینده‌ای برای ما و کل مردم محروم قابل تصور باشد، در این آینده سرمایه‌داری جایی ندارد. نه فقط باید این نظام را بزیر بکشیم، بلکه بقای تکنونی آن برای طبقه ما بسیار گران تمام شده است. طبقه ما برای رهانی راهی جز انقلاب علیه سرمایه و نظام منخط و ضد کارگر سرمایه‌داری ندارد. هیچ راه سومی برای ما وجود ندارد. امروز باید در جبهه‌ها و سنگرهای مختلفی حاضر شویم. در عین حال که نیرویمان را برای آوردن توده‌های طبقه

## کارگران و روبات ها

### ۲۳۰ کارگر ایران خودرو اخراج میشود...

کارگر و جامعه پشت آلترناتیو کارگری بسیج میکنیم، همزمان باید در مقابل مصائب عملکرد سرمایه داری سنگربندی کنیم. بیکاری مخلوق ما نیست و مسئولیتش هم بعهد ما نیست. ما آماده بکاریم و تاکنون چرخهای جامعه روی دوش کار ما چرخیده است. اگر کار ندارند باید بیمه بیکاری بدهند. نه کار نه بیمه بیکاری را قبول نداریم. اگر این را هم نمیتوانند بدهند باید گورشان را گم کنند. هم طبقه ایهیامان در نیشکر هفت تپه به شیواترین بیان اعلام کردند که؛ "این بچه گرسنه وعده سرش نمیشه!" ما بشریم و حق زندگی داریم. هیچ احدی و هیچ خدائی نمیتواند زندگی و معاش و سلامتی و سواد و بهداشت را از ما سلب کند. اگر ما کار نکنیم کثافت سراپای وجودشان را میگیرد. تمام شوکت و جلال این حیوانات درنده و نظامشان محصول کار ماست. اینها که هر روز و هر ثانیه کارگر را تحقیر میکنند، بدون ما و کار ما هیچی نیستند. مشتی انگل و مفتخور و سفته باز و دزد و مافیایی و پدوفیل مخرب بیش هستند.

کارگران باید قدرتشان را علیه بیکارسازی و اخراج و روند فلاکت عمومی طبقه کارگر بمیدان بکشند. بیکاری امر بیکار شده ها نیست، امر طبقه کارگر است. یک موضوع مهم و بنیادی جامعه است. مسئولش سرمایه داری است و باید وادارش کرد که هزینه تامین معیشت بیکار شده ها را بپردازد. حتی همین هزینه از جیب سرمایه دار خارج نمیشود بلکه بخشی از کار طبقه کارگر است. ما گدائی نمیکنیم بلکه حق مسلم و بدیهی مان را طلب میکنیم. یا کار یا بیمه بیکاری مکفی! هیچ تغییر تکنولوژیک نمیتواند به "اضافه بودن" و دور انداختن بخشی از جامعه ترجمه شود. آموزش کارگر، جایگزینی در بازار کار، پرداخت بیمه

بیکاری، کاهش ساعت کار، بالا بردن دستمزدها و بیمه ها، و غیره باید نتیجه طبیعی چنین روندی باشد. اما اگر سرمایه داری و منطق سودآوری با نفس موجودیت طبقه ما بعنوان انسان در تناقض است، باید به قدرتمند شدن اراده و تصمیم ما برای جارو کردن این نظام فاجعه بار و جنایتکار و استثمارگر سرمایه داری منجر شود. بردگی را نمیتوان اصلاح کرد، آزادی بردگان تنها میتواند در الغای نظام بردگی متحقق شود. آنچه را که سرمایه داری نمیتواند تامین کند، طبقه کارگر و حکومت کارگری به وسیعترین شکلی برای همگان تضمین میکند.

اگر دنیا دست ما باشد؛ کودکی از گرسنگی و بی دارویی تلف نخواهد شد! اگر دنیا دست ما باشد؛ تبعیض و استثمار را الغا میکنیم! اگر دنیا دست ما باشد؛ ملیت و نژاد و مذهب بشریت را قصابی نخواهند کرد، همه شهروندان محترم و برابر جامعه اند! اگر دنیا دست ما باشد؛ زندانها و سلاحها و شکنجه گاهها را نابود خواهیم کرد. بجای سرکوب و انقیاد سیاسی و اقتصادی، شرایط مادی شکوفائی فرد و جامعه را تامین خواهیم کرد! اگر دنیا دست ما باشد؛ جامعه اردوی کار اجباری برای تامین سود سرمایه نخواهد بود بلکه کار آگاهانه و نقشه مند برای رفع نیازهای همگان را سازمان خواهیم داد! اگر دنیا دست ما باشد؛ ژنرالها و سرکوبگران و خیل آخوندها و کاردینال ها و خاخام ها و واعظین بردگی بشر را مرخص خواهیم کرد. بجای تولید جهالت و سم در جامعه علم و پیشرفت انسان را هدف قرار خواهیم داد! اگر دنیا دست ما باشد؛ آن را زیر و رو خواهیم کرد!

حزب، طبقه کارگر ایران را به سنگربندی در مقابل بیکاری و فقر و فلاکت و گرسنگی فرامیخواند. موج بیکارسازیها و ماشین جهمی و خونین فقر و گرسنگی خود بخود متوقف نمیشود، باید آنرا متوقف کرد و باید آنرا درهم شکست. حزب توجه کارگران سوسیالیست و کمونیست و رهبران کارگری را به تلاشی گسترده و نقشه مند برای مقابله با این روند جلب میکند.

**یا کار یا بیمه بیکاری مکفی!**

**حزب اتحاد کمونیسم کارگری**

۲۰ تیر ماه ۱۳۸۷ - ۱۱ جولای ۲۰۰۸

## چند خبر کارگری از سندج

### کارخانه آتیلا اورتوپد

مدتی قبل کارفرمای این کارخانه ۵۰ کارگر را اخراج کرد. اخیراً بحث و خبر اینست که هر کدام از این ۵۰ کارگر اخراجی هر کدام مبلغ ۱۶۵۰۰۰ تومان از کارفرمای این کارخانه طلب دارند. مسئله به این صورت بوده که کارفرما هر ماه مبلغی از حقوق این کارگران بابت حق مسکن کم میکرد. مجموعاً از حقوق هر کارگر ۱۶۵۰۰۰ تومان کسر شده است. اما چند ماه پیش وقتی که این کارگران اخراج شدند، کارفرما این طلب کارگران را به آنها بازپس نداده است. در این مدت هر بار که کارگران برای گرفتن پول خودشان مراجعه کردند هیچ کسی جوابگو نیست و مدعی اند که "پولی پیش ما ندارید!" یعنی این بخش دستمزد کارگران را با یک کلاهبرداری "شرعی و قانونی" بالا کشیدند.

### نساجی کردستان، اعتصاب شیفت شب

از یکشنبه ۲۳ تیر، کارفرما شیفت شب کارخانه را از برنامه کاری برداشت. یعنی دیگر شیفت شب کارگران کار نمیکند. با اینکه خبر تعطیل کارخانه و اخراج همه کارگران را در هفته پیش منتشر کردیم، اما هنوز تولید کارخانه ادامه دارد و کسی تاکنون اخراج نشده است. دوشنبه ۲۴ تیرماه کارگران شیفت شب نساجی کردستان که تعدادشان ۵۰ نفر بود دست به اعتصاب زدند و در محوطه کارخانه نشستند. خواست کارگران اعتصابی پرداخت حقوق معوقه دو ماه گذشته و ادامه کاری و تامین امنیت شغلی است. شروع کار شیفت شب کارخانه از ساعت ۲ بعدازظهر الی ۱۰ شب است. در پایان اعتصاب کارگران اعلام کردند اگر به خواست شان رسیدگی نشود در روزهای آینده اقدامات دیگری از جمله به بستن خیابان بهشت محمدی که کارخانه در اطراف آن واقع است مبادرت خواهند کرد.

در این میان کارفرمای نساجی بیکار ننشسته و به توطئه علیه کارگران مشغول است. از جمله اقدامات این جناب طی دو سه روز گذشته اینست که تعدادی از کارگران گوش به فرمان را که کارشان جاسوسی در کارخانه است سازمان داده تا توماری تهیه و به امضای کارگران برسانند. این تومار که با ادبیات و محتوای اسلامی تنظیم شده است، از جانب کارگران از استانداری میخواید که به کارفرمای نساجی وام بدهد تا کارخانه تعطیل نشود و بتواند به کارش ادامه دهد! این تومار را تعدادی از کارگران امضا کردند و برای استانداری ارسال کردند.

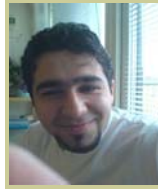
همینطور شایعه ای در میان کارگران بگوش میرسد مبنی بر اینکه کارفرما قصد دارد راساً به تحصن و اعتراض کارگران در همین راستا دامن بزند و کارگران را بعنوان ابزاری در اعمال فشار به نهادهای دولتی برای گرفتن وام در خدمت بگیرد.

### پریس سندج

کارفرمای این کارخانه یکی از کارگران این کارخانه را با نام فرزاد زند سلیمی اخراج کرد. \*

## مذهب، سرمایه داری، خانواده: جایگاه اجتماعی زنان کجاست؟

علی طاهری



حدود چهاردهه است که زنان حضور فعال و چشمگیر در عرصه های گوناگون اجتماعی اعم از فرهنگ و آموزش اقتصاد سیاست صنعت و هنر یافته اند. این حضور با اهدافی مختلف از قبیل کسب هویت مستقل اجتماعی و مشارکت در مخارج خانواده یا سرپرستی آن صورت می گیرد. اکثریت آنان جهت رفع نیاز مالی خود یا خانواده ای که سرپرستی می کنند، وارد بازار کار می شوند. به عبارت دیگر از حوزه خصوصی و خانوادگی، که قوانین خاص خود را دارد، به حوزه وسیع تر جامعه پای می گذارند. ولی آیا قوانین حاکم بر جامعه بیانگر و حافظ منافع آنان هست؟ آیا اعاده هویت مستقل و برابر زنان با کسب و کار و منافع عده ای روبرو نمیشود؟ قانون جامعه، که انعکاس حقوقی منافع طبقات بالاست، در مورد حقوق زنان بیشرمانه صریح است. مروری اجمالی بر بخشی از قوانین جاری یعنی قانون تامین اجتماعی، که در خصوص زنان است و هم اکنون اجرا می شود، این موضوع و این تحریف مفسرین بورژوازی و دروغ آشکارشان در رابطه با تنظیم عادلانه روابط عادلانه افراد و رفاه اکثریت در قانون بیشتر برملا میشود. قانون جامعه بورژوازی نه بر اساس منافع همگان که بر اصل منافع طبقاتی بورژواها و قانون مقدس سود تنظیم می شود. و در این میان، هر چیزی که سد راه سود باشد، دوراندختنی و بی ارزش جلوه می کند. به چند مورد از این قوانین اشاره کنیم:

### در قانون بازنشستگی

طبق تبصره 4 ماده 76 قانون تامین اجتماعی با عنوان بخش نامه 23 مستمری ها چنین گفته می شود: "زنان کارگر با داشتن 20 سال سابقه پرداخت حق بیمه

بازماندگان او با شرایط زیر می توانند از مستمری استفاده کنند؛

"شوهر مشروط به اینکه اولاً تحت تکلف زن بوده و ثانیاً سن او از شصت سال متجاوز باشد یا طبق نظر کمیسیون پزشکی موضوع ماده 91 این قانون، از کار افتاده بوده و در هر حال مستمری دریافت نکند." فرزندان در صورت حائز بودن شرایط زیر: "الف: پدر آنها در قید حیات نبوده یا واجد شرایط مذکور در بند اول این ماده باشد و از مستمری دیگری استفاده نکند. ب: سن آنها از کمتر از 18 سال تمام باشد و یا منحصرأ به تحصیل اشتغال داشته باشد تا پایان تحصیل و یا به علت بیماری و نقص عضو طبق گواه کمیسیون پزشکی قادر به کار نباشد. پدر و مادر در صورتی که اولاً تحت تکلف او بوده ثانیاً سن پدر از شصت سال و سن مادر از 55 سال تجاوز کرده باشد و یا آنکه به تشخیص کمیسیون پزشکی ماده 91 این قانون از کار افتاده باشند. در هر حال مستمری دیگری از سازمان دریافت ندارد."

در واقع فرزندان در صورت داشتن پدر (در قید حیات بودن او) حتی اگر پدر توان مالی نداشته، بیمار یا بیکار باشد و یا صرفاً حداقل مستمری را از سازمان دریافت نماید، نمی توانند از مستمری مادری که 10 تا 30 سال سابقه پرداخت حق بیمه دارد، بهره مند شوند. در واقع فرزندان علاوه بر ضایعات روحی و روانی ناشی از فوت مادر شاغل یا مستمری بگیر، درآمد او را، که قسمتی از درآمد خانواده را تشکیل می دهد، از دست می دهند. بدیهی است که فرزندان این خانواده ها پس از این شوک ناگهانی، در سنین کودکی اجباراً ترک تحصیل می کنند و برای جبران هزینه های زندگی وارد بازار کار می شوند.

چه بسیارند این گونه زنان که به علت اعتیاد همسرانشان خود سرپرست خانواده شده و شاغل

شده اند، ولی فرزندان به علت وجود پدری ناتوان و مبتلا به مواد مخدر و نداشتن حضانت مادر (قبل از فوت او) نتوانسته اند مدارکی جهت برقراری مستمری ارائه کنند و از سر استیصال جهت تامین معاش خود به فروش و مصرف مواد مخدر و یا تن فروشی روی آورده اند.

اگر بپذیریم که خانواده واحد پایه یک اجتماع است و باید از جانب جامعه و دولت حمایت شود، بنا براین مقرر کردن شرایط متعدد و دشوار برای بهره مند نشدن از همین مستمری حداقلی و محقر چه ضرورتی دارد؟ مستمری که می تواند صرفاً نیازهای اولیه را از دست داده اند برآورده کند؟ در بند 3 ماده 80 قانون تامین اجتماعی چنین می خوانیم: "برقراری مستمری بازماندگان بیمه شدگانی که از 26 مهر 76 به بعد فوت می نمایند موکول به این است که در ظرف ده سال قبل از تاریخ فوت، حداقل یک سال سابقه پرداخت حق بیمه را که 90 روز آن در آخرین سال حیات بیمه شده واقع شده باشد، داشته باشند."

پس اگر چنانچه این 90 روز (3 ماه) را نداشته باشند فقط در صورت داشتن 20 سال سابقه، مستمری جهت بازماندگان برقرار می شود و صورت دارا بودن سابقه 10 سال تا 20 سال، مبلغی تحت عنوان غرامت مقطوع فوت، به نسبت سال های پرداخت حق بیمه و با در نظر گرفتن تاریخ فوت، به بازماندگان به طور یک جا پرداخت می شود. حال اگر کارگری از یک تا 9 سال سابقه داشته باشد و از ظرف یک سال قبل از تاریخ فوت 90 روز سابقه را نداشته باشد، هیچ مبلغی به بازماندگان او پرداخت نمی شود. دلیل قانونی هم همان قطع رابطه بیمه پردازی طرف یک سال قبل از تاریخ فوت می باشد. با در نظر داشتن شرایط کنونی جامعه و تعطیل شدن اکثر صنایع قدیمی کشور و بیکاری خیل عظیمی از کارگران، به جز تغییرات



## مذهب، سرمایه داری، خانواده: جایگاه اجتماعی زنان کجاست...

بنیادی شرایط موجود، چاره ای فوری باید باشد که حداقل پاسخ گوی نیازهای جامعه ای با این فقر روز افزون باشد. آمار حوادث روزنامه ها خود حکایت از جامعه ای به شدت فقر زده است که در مرحله تباهی و ویرانی تمام عیاری است.

اگر سری به شعب مختلف تامین اجتماعی بزنیم، زنان و کودکان را خواهیم دید که قانون کثیف سرمایه داری اسلامی گریبانشان را گرفته، ناامید و مایوس از هر حمایتی با این سوال بزرگ روبرویند: پس ما چگونه باید زندگی کنیم؟

چندی پیش شبکه خبر رژیم خانی را نشان می داد. به نظر 60 ساله می آمد. خانی با چهره ای پر از چین های عمیق بر پیشانی و زیر گونه اما فقط حدود 48 سال سن داشت. با 20 سال سابقه کار حدود سه سال پیش بازنشست شده بود. میزان مستمری دریافتی اش فقط 57 هزار تومان بود. می گفت: "شوهرم سمسار دوره گرد بود که سه سال پیش بر اثر سکته مغزی فلج و زمین گیر شد. من نیز به ناچار بازنشسته شدم. 4 فرزند دارم که فقط اولی که دختر است ازدواج کرده و بقیه در خانه اند. با این حقوق بازنشستگی به ناچار برای تامین مخارج خانواده بازم باید کار کنم. به همراه بچه باید در خانه سردوزی کنم. خیلی سعی کردم که بچه هایم درس بخوانند تا سرنوشتی مثل من پیدا نکنند." زن دیگری که شوهرش بر اثر اعتیاد متواری شده بود و برای مراقبت از سه فرزندش اجبارا با 20 سال سابقه بازنشسته شده بود، می گفت 76 هزار تومان مستمری می گیرد و چون 90 هزار تومان بابت اجاره یک اتاق پرداخت می کند، باز هم باید کار کند. آن هم کاری که در خانه باشد. مثل سبزی پاک کردن

و کارهایی از این قبیل تا کفایت مخارج خانواده اش را بدهد. بچه ها هم علاوه بر انجام تکالیفشان در چنین کارهایی سهیم می شوند. نتیجه این کارها در بسیاری از موارد به ترک تحصیل کودکان منجر شده است.

در ده سال اخیر، به علت افزایش درصد بیکاری و اعتیاد و در نتیجه تلاشی خانواده ها، همسران معتادان که اکثرا جوانند و دارای یک یا چند کودک خردسال هستند، از سر استیصال مجددا به خانواده پدری و مادری باز می گردند. چرا که محل امن دیگری ندارند. حال خانواده ای که خود مبلغ ناچیزی دریافت می ند باید این تعداد را نیز پذیرا باشد. البته بخشی از بیمه به زنان در جامعه تعلق می گیرد. اما نه خود حق استفاده از بیمه را دارند و نه فرزندان. عملا قانون موجود با لایحه ای زنان را از سر خود باز می کند. یعنی اینگونه زنان باید سرپرست خانواده بودن خود را با هزار دلیل و مدارک اولا ثابت کنند، ثانيا در صورت اثبات فقط از حق عائله مندی می توانند استفاده کنند و حق اولاد به آنها پرداخت نمی شود. این گونه زنان حتی در نقش سرپرست خانواده فقط می توانند بخشی از حقوق مردان را داشته باشند. دریافت مستمری زن تنها شامل 50 درصد حق قائل شده از جانب قانون است و این تازه اگر مرد متوفی دو زن داشته باشد تقسیم می شود و به 25 درصد می رسد. (مساوی با سهم فرزندان و در صوت داشتن سه همسر 16.6 درصد) از مستمری حقوق متوفی را دریافت می کنند. سرمایه داری اسلامی به هزار و یک کلک همان بازنشستگی ناچیز را از دهن کارگر و زن و خانواده کارگر می قاپد.

### زنان صیغه ای:


در این قسمت قانون می شود عمق حقارت زن را در قانون کاپیتالیسم اسلامی دید. اگر مردی در زمان حیات خود دو یا سه زن عقد دائم داشته باشد، پیش از این اشاره کردم

انسان ها در قلمرو تولید به عنوان یک عامل مهم اقتصادی و سیاسی در تضمین سودآوری سرمایه مینگرد. ایجاد انعطاف پذیری نیروی کار در اشتغال و اخراج، ایجاد شکاف و رقابت و کشمکش درونی در اردوی مردم کارگر، تضمین وجود بخش های محروم تر در خود طبقه کارگر که پائین نگاهداشتن سطح زندگی کل طبقه را مقدور میسازد و بالاخره مخدوش کردن خودآگاهی انسانی و طبقاتی بشریت کارگر و دوام بخشیدن به آراء و افکار و تعصبات کهنه و پوسیده و فلج کننده، برکات ستمکشی زن برای سرمایه داری مدرن معاصر و از ارکان انباشت سرمایه در دنیای امروز است. اعم از اینکه سرمایه داری ذاتا و بطور کلی با برابری زن خوانایی داشته باشد یا خیر، سرمایه داری انتهای قرن بیستم بطور مشخص خود را بر این نابرابری بنا کرده است و به سادگی و بدون مقاومت سرسختانه و قهرآمیز از آن عقب نمی نشیند."

منصور حکمت، برنامه یک دنیای بهتر

سهم هر زن 16.6 درصد از سهم فرزندان 25 درصد کمتر می شود. زنان صیغه ای حتی اگر دارای فرزند باشند در قانون تامین اجتماعی از هیچ حقی برخوردار نیستند. چون در قانون برای آنها هیچ جایگاهی تعیین نشده است و بازار ثبت و املاک خرید و فروش زنان آنها رتبه پایین تری نسبت به زنان عقدی دارند. فرزندان این زنان نیز به علت مشکلات عدیده اجتماعی از لحاظ عاطفی دچار مشکل می شوند و اکثر به بزهکاری روی می آورند.

"نفس ستمکشی و فرودستی زن اختراع سرمایه داری نیست. اما سرمایه داری این میراث نفرت انگیز تاریخ پیشین را تکامل بخشیده و به یک رکن مناسبات اقتصادی و اجتماعی معاصر بدل کرده است. ریشه نابرابری و بی حقوقی امروز زن، نه در افکار کهنه و میراث فکری و فرهنگی نظام ها و جوامع منقرض شده و پیامبران و مذاهب عصر جاهلیت، بلکه در جامعه سرمایه داری صنعتی و مدرن امروز نهفته است. نظامی که به تقسیم جنسی




مرکز مطالعات کمونیسم کارگری

Capital

Web Address: <http://markazmkk.blogfa.com>

E-MAIL: [workercommunism.studies@gmail.com](mailto:workercommunism.studies@gmail.com)



**معضل گرانی، شورش گرسنگان: راه حل های راست و چپ؟**

فقر و فلاکت ابعاد فاجعه آمیزی بخود گرفته است. دهها میلیون نفر در زیر خط فقر مطلق زندگی میکنند. رژیم اسلامی نه میخواهد و نه میتواند این اوضاع را تخفیف دهد. از نظر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در یک بن بست و بحران همه جانبه ای قرار دارد. راه حل و علاجی هم ندارد. تحمیل فقر و فلاکت یک سیاست رژیم اسلامی برای بزانو درآوردن کارگران و مردم زحمتکش است. در چنین شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم اندازی واقعی است. آلترناتیوهای سیاسی و اقتصادی نیروهای راست پرو غرب، ملی اسلامی و کمونیسم کارگری در قبال این اوضاع چیست؟ سهم مردم از زندگی، درجه رفاه اجتماعی در آلترناتیو این نیروها کدامست؟ در این سمینار به نقد و بررسی راه حل های پروتشنیستی، بازار آزادی، رفرفمیستی و آنارکو پاسیستی و همچنین تمایز راه حل کمونیسم کارگری خواهیم پرداخت.

**علی جوادی**

مکان: "شبکه پالتاک، گروه خاور میانه - ایران" و "ياهو مسنجر"

**زمان: یکشنبه ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۸**

ساعت ۹ شب بوقت اروپای مرکزی و ۳ بعد از ظهر بوقت نیویورک و ۱۲ صبح بوقت لس آنجلس

[Markazmkk@yahoo.com](mailto:Markazmkk@yahoo.com)

## به یاد مهتاب

کارفرما به مهتاب ۱۵ ساله تجاوز کرد!

سیاوش دانشور



هر روز در گوشه ای از خانواده بزرگ کارگری، خودکشی دسته جمعی و فردی، و یا کشته شدن در محل کار جریان دارد. زندگی طبقه کارگر با قربانیان روزمره و ثانیه به ثانیه میگذرد.

اما اوضاع همین گونه نخواهد ماند. طبقه کارگر قبول نمیکند. مهتاب ها و گلاویژها، که تعدادشان در هر گوشه جامعه بسیار است، قرار نیست بمیرند. قرار نیست این کارفرماهای کثیف اینهمه زور داشته باشند و به کارشان ادامه دهند. قرار نیست این وضعیت را بپذیریم و نمیپذیریم. قرار نیست جوابشان را ندهیم. مهتاب با روش غیر موثر خودش جنگ آخرش را کرد. او اعتراضی بلند و عمیق به ابعاد تمامی وجودش داشت. اعتراضی که در پیکره طبقه کارگر ایران موج میزند. اما طبقه کارگر ایران نه میتواند و نه مقدر است تماما خود را به آتش بکشد. راهی جز راه انداختن طوفان آتش علیه نظام وحشی سرمایه داری و حکومت اسلامی ندارد. دور نیست که آه و ناله و زجه مهتاب ها و گلاویژها و خانواده های کارگری، زیر فشار تجاوز جنسی و در درد سوختن در آتش، به فریاد و اعتراضی بنیان کن علیه این موجودات کثیف و نظامشان تبدیل شود. این جنایات بی پاسخ نخواهند ماند. طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی اش این را تضمین میکند.\*

گوشه ایران دنبال کار و تلاش برای زنده ماندن هستند، دسته جمعی در یک کارگاه جوجه کشی نقره مشغول بکار در بدترین شرایط بودند. فقر همه چیز را از خانواده مهتاب و خود او بعنوان کودکی با یک دنیا آرزو گرفت. اما سرمایه به همین قانع نشد. کارفرمای پست و کثیف به مهتاب ۱۵ ساله تجاوز کرد و دنیای سیاه مهتاب را سیاهتر کرد. قلب عزیز مهتاب و فشار روانی ناشی از این واقعه تحمل نیاورد. او با به آتش کشیدن خود به این زندگی پایان داد! مهتاب نه اولین قربانی تجاوز جنسی سرمایه داران است و نه آخرین. هر روز در موسسات مختلف و زیر حمایت پول و قدرت و پارتی و استخدام، به زنان و کارمندان و کودکان تجاوز میشود. رسمی و قانونی و غیر رسمی و در هر فرصت به زنان و کودکان تجاوز میشود. مدتی پیش بود که گلاویژ سلطان نیا، کارگر کوره پزخانه، ۱۷ ساله، در واقعه مشابهی یعنی بدنبال تجاوز کارفرما به او، خود را به آتش کشید و پرونده زندگی مملو از مشقت اش را بست.

طبقه کارگر ایران هر روز بیشتر از دیروز حرمت و حیثیت و وجود اجتماعی اش مورد تعرض سرمایه داران قرار میگیرد. سرمایه داران تنها کارگر را برده خود نمیدانند بلکه فکر میکنند مالک کودکان کارگران هستند و هر وقت دلشان خواست بدتر از حیوان میتوانند به آنها تجاوز کنند! سرمایه دار جماعت عموماً کاراکتر و شخصیت اجتماعی لجنی دارد. اما سرمایه دارانی که حکومت اسلامی پاسبان منافع آنهاست پدوفیل هم هستند. اگر اسلام شرعا و قانوناً تجاوز به کودک را مجاز شمرده است، اگر قانون چیزی جز انعکاس منافع و امتیازات طبقه حاکم نیست، چرا سرمایه داران و کارفرماها اوج رذالت و توحش شان را به نمایش نگذارند؟

"مهتاب احمدزاده"، ۱۵ ساله، اهل بیرانشهر، همراه با خانواده اش در نقده کارگر جوجه کشی بود. آنها مثل دیگر کارگران فصلی و خانواده های کارگرانی که مرتباً در هر

آدرس تماس با مسئولین  
حزب اتحاد کمونیسم کارگری

علی جوادی (دبیر کمیته مرکزی)

[Ali\\_Javadi@yahoo.com](mailto:Ali_Javadi@yahoo.com)

Tel: +1 310 402 6567

هیات دایر دفتر سیاسی (علی جوادی، سیاوش دانشور، آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

کمیته سازمانده (علی جوادی، نسرین رضانعلی)

[nasrin\\_ramzanali@yahoo.com](mailto:nasrin_ramzanali@yahoo.com)

مسئول خارج کشور (آذر ماجدی)

[AzarMajedi@yahoo.com](mailto:AzarMajedi@yahoo.com)

مسئول سایت و آی تی حزب (مجید پستچی)

[x\\_magid@yahoo.com](mailto:x_magid@yahoo.com)

دبیرخانه (شراره نوری)

[markazi.wupi@gmail.com](mailto:markazi.wupi@gmail.com)

به حزب اتحاد کمونیسم کارگری کمک کنید!

Bank : Wells Fargo Bank  
- N. America

Routing Number : 121  
000 248

Account Number: 36 48  
46 88 52

از سایت حزب  
دیدن کنید؛

[www.wupiran.com](http://www.wupiran.com)

or

[www.for-abetterworld.com](http://www.for-abetterworld.com)

به حزب اتحاد کمونیسم  
کارگری بپیوندید!

آثار منصور حکمت  
را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که  
به برپایی جامعه ای  
سوسیالیستی فکر میکند و آن  
را امری مبرم و ممکن میداند،  
منصور حکمت یک گنجینه غنی  
آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>

[www.m-hekmat.com/](http://www.m-hekmat.com/)

تلویزیون

برای یک دنیای بهتر

جمعه: ساعات ۵ بعد از ظهر بوقت تهران  
یکشنبه: ساعت ۱۲:۳۰ ظهر بوقت  
تهران در کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست، جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم. لطفاً روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!